

مکاشفہ

هیچ کس جز

عیسیٰ

جان فلاول





ا به نام او و برای او ا

**None But Jesus: Selections from the writings of**  
*John Flavel*

Copyright 2014 by John Flavel

Published by The Banner of Truth Trust

3 Murrayfield Road, Edinburgh EH12 6EL, UK

P.O. Box 621, Carlisle, PA 17033, USA

Translated into Farsi by Revelation Ministries Inc.

Farsi ISBN: 979-8-9856279-8-5



پچ کس جز عیسی

# مکاشفه

نشر مکاشفه

هیچ کس جز عیسی

| نویسنده: جان فلاول |

| ترجمه: گروه مترجمان |

| سرویراستار: نیما علیزاده |

| نوبت چاپ: اول، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۵، دی ۱۴۰۴ |

| شابک: ۹۷۹-۸-۹۸۵۶۲۷۹-۸-۵ |

| همهٔ حقوق متعلق به خدمات مکاشفه است |

نقل از کتاب با ذکر ماخذ مجاز و هر گونه بهره‌برداری دیگر

منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.



WWW.MOKASHEFEH.COM

# هپیچ کس جز عیسی

گزیده‌هایی از نوشته‌های جان فلاول



## فهرست

یادداشت ناشر | ۱۳

مقدمه | ۱۹

هیچ کس جز عیسی | ۲۳

واژه‌نامه | ۱۱۹

برای او مخاطره کن، دل به دریا بزن؛  
به هیچ چیز اعتماد نکن؛  
هیچ کس جز عیسی؛  
گناهکارانِ بینوارا نیکویی نتوان کرد.  
جوزف هازت

مسیح برای گرسنگان، نان؛ برای تشنگان، آب؛ برای  
برهنگان، جامه و برای مجروحان، شفا است.  
تمام آرزوهای آدمی در او یافت می شود.  
جان فلاول

به سبب جوانی‌ات، از وسوسه‌ها و دام‌ها برحذر باش؛ و بالاتر از همه، مواظب باش که در استفاده از دارایی‌ات خویشتندار باشی و به جماعت نیکو وصل شوی، اگرچه ممکن است به تو لقب پیوریتن را بدهند و مسخره‌ات کنند، اما اهمیتی نده، بلکه شاد و خوشحال باش، زیرا کسانی که مورد تمسخر و تحقیر این دنیای بی‌خدا و عبث قرار می‌گیرند و به آنها لقب پیوریتن یا افراطی داده می‌شود، تو را در جمع خود می‌پذیرند. همچنین باید بگویم، وقتی در این نقطه از زندگی قرار دارم، همان‌طور که مرا می‌بینی، زیر آسمان؛ روحم با هیچ چیزی آرام نمی‌گیرد، به جز کسانی که به آنها لقب مذهبی می‌دهند. آنها افرادی هستند که می‌توانند در زمان مناسب روح خسته را التیام بخشند و من با تجربه این را یافته‌ام...

آخرین سخنان آسمانی پیش از رحلت باشکوه جان،  
مباشر کُنت در کِنمور

این اثر را به پدرم تقدیم می‌کنم:

جیم پارکر

از تو متشکرم که پدری دیندار و نمونه بودی؛  
زیرا که در این دنیا، این بهترین هدیه برای من بود.  
همچنین از تو متشکرم که جان فلاول را به من  
معرفی کردی.

ناتان. تی. پارکر

دورهام - انگلستان / سال ۲۰۱۳

## یادداشت ناشر معرفی پیوریتن‌ها

پیوریتن‌ها، اعضای جنبش اصلاحات مذهبی، معروف به پیوریتنیزم بودند که در اواخر قرن شانزدهم، هم‌راستا با جنبش اصلاحات در کل اروپا، در کلیسای انگلستان به وجود آمدند. پیوریتن‌ها که اکثریت کالوینیست بودند، باور داشتند که کلیسای انگلستان بسیار شبیه کلیسای کاتولیک رومی است و باید از مراسم و اعمالی که ریشه در کتاب مقدس ندارند، اصلاح شود. به همین دلیل در سال ۱۶۶۲ پارلمان انگلستان حکم معروفی به نام «قانون یکپارچگی»<sup>۱</sup> را

---

۱. Act of Uniformity؛ قانونی که در سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان وضع شد تا فعالیت همهٔ کلیساها همان‌طور باشد که کلیسای انگلستان ترجیح می‌دهد.

برای کنترل کلیساها وضع کرد، طبق این حکم همهٔ شبانان برای ادامهٔ خدمت باید آن را امضا می‌کردند. بر اساس این قانون، همهٔ کلیساها ملزم به اجرای مراسم کلیسایی خود به یک شکل و آن‌طور که کلیسای انگلستان دیکته می‌کرد بودند. حدود دو هزار پیوریتن این حکم را امضا نکردند و همین باعث شد تا از منصب کلیسایی خود اخراج شوند. این واقعه معروف به «اخراج بزرگ»<sup>۱</sup> است.

پیوریتن‌ها عالمانی بسیار جدی و مصمم بودند که باور داشتند برای اجرای این اصلاحات از طرف خدا ماموریت دارند. به قول جان میلتن، شاعر و نویسندهٔ معروف انگلیسی: «پیوریتن‌ها اصلاح‌کنندهٔ اصلاح‌گران بودند.»

دربارهٔ پیوریتن‌ها باورهای اشتباهی وجود دارد و سعی شده که از آنها تصویری تاریک، خشن و عبوس ارائه شود، اما در واقعیت پیوریتن‌ها افرادی بسیار تحصیل‌کرده، خوش‌پوش، شاد، متشخص و دانا بودند.

متأسفانه پیوریتنیزم به خاطر فشارها و جفاهای بیش از حد، خیلی دوام نداشت. دورهٔ پیوریتن‌ها را می‌توان بین ۱۵۳۰ تا ۱۶۶۰ میلادی در نظر گرفت. زندگی‌نامه‌ها و نوشته‌های آنها حاکی از آن است که این افراد، حقیقتاً گروهی خاص در تاریخ مسیحیت بوده‌اند. آنها به معنای واقعی، مسیحیان

۱. Great Ejection؛ حدود دو هزار پیوریتن به دلیل مخالفت و امضا نکردن «قانون یکپارچگی» از کلیسا اخراج شدند.

بالغی بودند که برخلاف مسیحیت عصر ما به دنبال شهرت، مقام، پول، موفقیت و خودمحوری نبودند. آنها به راستی ایرانیان و قهرمانان ایمان مسیحی بودند. انسان‌های بزرگی که به درستی خدای بزرگی را خدمت می‌کردند. آنها فقط شنوندگان کلام نبودند، بلکه فارغ از چالش‌ها و جفاها، عمل‌کنندگان کلام بودند. وفاداری و جدیت نسبت به کتاب مقدس، الهیات عهد، مسیح محوری، قداست و جلال خدا، از برجسته‌ترین و بنیادی‌ترین تأکیدات پیوریتن‌ها می‌باشد. موعظت و تعالیم پیوریتن‌ها بسیار کاربردی و عمیق هستند و مسیحیان قرن بیست و یکم از این تعالیم می‌توانند بهره‌افراوانی ببرند. به قول سینکلر فرگوسن<sup>۱</sup>: «مطالعه آثار پیوریتن‌ها که معروف به طیبیان روح هستند؛ به مانند ورود به دنیایی بسیار غنی از الهیات روحانی است، برای فکر و قلبی که همواره در پی کاوش درون خود است. پیوریتن‌ها با فیض، قلب شما را تسخیر و تبدیل می‌کنند و شما را با مشاوره‌های حکیمانه در زندگی راهنمایی می‌نمایند.»

به دلیل اهمیت و ارزش متون پیوریتن‌ها، «سازمان خدمات مسیحی مکاشفه» در راستای ترویج تعالیم صحیح و مجهز کردن کلیسای فارسی‌زبان، بر آن شد تا این سری کتابچه‌های ارزشمند از پیوریتن‌ها را ترجمه و منتشر کند.

این سری کتابچه‌ها معروف به «پیوریتن‌های جیبی»

---

1. Sinclair Ferguson

(Pocket Puritans) هستند. این مجموعه، هرچند کوچک اما بسیار عمیق و کاربردی می‌باشد و تا امروز میلیون‌ها مسیحی را در ابعاد مختلف زندگی مسیحی‌شان کمک کرده است.

### درباره کتاب حاضر

کتاب «هیچ کس جز عیسی»<sup>۱</sup> اثر جان فلاول<sup>۲</sup> (۱۶۲۸-۱۶۹۱) مجموعه‌ای از نقل قول‌های برگزیده از آثار اوست که این ویژگی، آن را به گنجینه‌ای کوچک اما ارزشمند بدل کرده است.

فلاول یکی از خادمین و واعظین کلیسای مشایخی انگلستان و نویسنده‌ای برجسته در میان پیوریتن‌ها بود. او تحصیل کرده آکسفورد و از واعظینی بود که در «اخراج بزرگ» سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان از منصب خود خلع شد، اما همچنان در خفا به موعظه انجیل ادامه داد.

جذابیت این کتاب در مختصر و مفید بودن آن است که آن را برای تنبل‌ترین و بی‌حوصله‌ترین خوانندگان هم جذاب می‌کند. برای خوانندگان علاقه‌مند، اسامی تمام کتبی که این کتاب از آنها اقتباس شده در پاورقی مربوطه ذکر شده است.

در انتهای کتاب «شهوَت ناپاک» شرح حال مفصلی از زندگی جان فلاول و نوشته‌های او آمده، که شما را تشویق می‌کنم برای آشنایی بیشتر با این پیوریتن، این کتاب را نیز تهیه کرده و بخوانید.

1. Non But Jesus

2. John Flavel

باعث خرسندی است که در «نشر مکاشفه» می‌توانیم پیوریتن‌ها را به جامعه مسیحی فارسی‌زبان معرفی و در شناخت این مقدسین و نوشته‌های آنها گامی برداریم. باشد که مطالعه این مجموعه شانزده جلدی، در کنار بقیه متون منتشرشده توسط «سازمان خدمات مسیحی مکاشفه»، باعث روشنگری ذهن و ضمیر مخاطبان شود تا همه خوابیدگان از خواب غفلت بیدار شده و برای جلال خدا، مانند بالغان در روح، زندگی و رفتار کنند. آمین.

نیما علیزاده

شبان و مؤسس «خدمات مسیحی مکاشفه»



## مقدمه

این کتاب شامل ۳۸۴ اقتباس از بخش‌های خواندنی و برگزیده نوشته‌های جان فلاول (۱۶۲۷ - ۱۶۹۱) است. اگرچه برای سالیان متمادی وی گمنام بوده، ولی اخیراً موجی از سپاس و قدردانی نسبت به این خادم انجیل به راه افتاده است. فلاول شبان و نویسنده‌ای بود که عمده خدمت خود را در شهر ساحلی دوان سپری کرد. پس از اتمام تحصیل در کالج دانشگاهی آکسفورد، در سال ۱۶۵۰ در مقام خادم کلیسای مشایخی<sup>۱</sup> مشغول به کار شد. شش سال پس از انتصابش، به دارتموت رفت و به دلیل نامشخص بودن وضعیت قانونی فعالیت‌های خدماتی و بشارت‌گرایانه‌اش،

---

1. A Presbyterian Minister

که رویکردی غیرسنتی و مغایر با جریان کلیسای اسقفی داشت، غالباً به صورت پراکنده و مخفیانه به او اجازه فعالیت داده می‌شد. او چنان قدرت خواندگی الهی را برای ماندن در دارتموت احساس می‌کرد که در دوران شغلی‌اش، دو مرتبه پیشنهاد یک زندگی مرفه را رد کرد تا بتواند به فعالیت خود در میان «مردم فقیرش در دارتموت» ادامه دهد. شاید ارادت و تعهدی که وی به آن گله محقر و کم‌توقع داشت، سبب شد که عاقبت تا سیصد و پنجاه سال پس از خود در محافل وسیع، چهره‌ای تاثیرگذار محسوب شود. جان فلاول تاثیر بسزایی بر افراد مشهوری از جمله: جورج وایت فیلد<sup>۱</sup>، جانانان ادواردز<sup>۲</sup>، جان وسلی<sup>۳</sup>، چارلز اسپرینج<sup>۴</sup> و همچنین، دو تن از رؤسای جمهور ایالات متحده - جان آدامز<sup>۵</sup> و بنجامین فرانکلین<sup>۶</sup> - و نیز قاضی سموئیل سیوال<sup>۷</sup> نیز داشته است. نوشته‌های گوناگون فلاول از سال ۱۶۶۴ تاکنون، بیشتر از ۷۲۰ مرتبه تجدید چاپ شده است.

در طی تکمیل کردن پایان‌نامه دکترای خود در باب الهیات فلاول، متوجه شدم که برای پیدا کردن استدلال برای دفاع از بحشم، عمیقاً مشغول کندوکاو در نوشته‌های او هستم. هدف یک پژوهشگر این است که ابزار خود را به سمت و

---

1. George Whitefield

2. Jonathan Edwards

3. John Wesley

4. Charles Spurgeon

5. John Adams

6. Benjamin Franklin

7. Samuel Sewall

سویی مفید هدایت کند، اما در کمال تعجب (اگرچه باعث مسرت من است) این فلاول بود که بارها و بارها مرا به عرش الهی بلند می‌کرد. در چنین مواقعی، دست از قلم می‌کشیدم و خداوند جلال را پرستش و ستایش می‌کردم.

با تحت تاثیر قرار گرفتن از [مطالب] «حلاوت مسیح»<sup>۱</sup> که حاوی گزیده‌هایی از رسالات سموئیل راترفرد<sup>۲</sup> است، قصد دارم به همین شیوه با نوشته‌های فلاول برخورد کنم. اسپرچن در رابطه با نوشته‌های یکی از پیوریتن‌ها به اسم ریچارد سیبز<sup>۳</sup>، با لحنی تحسین‌برانگیز چنین می‌گوید: «او کسی است که با دو دستش، مراورید و الماس می‌پاشد!» در مورد جان فلاول نیز، ما می‌توانیم همین سخن را بر زبان برانیم. نقل قول‌های این کتاب از آثار شش جلدی فلاول اقتباس شده و موضوعاتی مانند اراده، تعالی مسیح، بهشت، تغییر مذهب، رنج و جلال را در بر می‌گیرند. به علاوه، واژه‌نامه‌ای تخصصی از واژگان غیررایج در انتهای کتاب نیز ارائه شده است.

تنها امید من برای خوانندگان کتاب، این است که به واسطه چنین «گوهری» بتوانند دل‌هایشان را با عیسای مسیح، خدا و منجی فلاول سیراب کرده و از او بهره‌مند شوند. آثار فلاول در کتابخانه‌ها خاک می‌خورند، اما اگر خواننده تنها ذره‌ای از مزایای فراوان آثار فلاول را دریابد، همان هم ارزشمند خواهد بود.

1. The Loveliness of Christ (the Banner of Truth Trust)

2. Samuel Rutherford

3. Richard Sibbes



## هیچ کس جز عیسی

عیسای مسیح باید محور و اساس تمام خطوطی باشد که من در خدمت ترسیم می‌کنم. در موعظات و رسالات خود دربارهٔ موضوعات گوناگونی نوشته‌ام. لیکن تمام آنها نوع تقلیل یافته‌ای از موعظات و کشفیات عیسای مسیح است؛ از بین تمام مباحثی که در این گیتی وجود دارند، [او] شیرین‌ترین مبحث است. اگر در این سو از بهشت، تنها یک چیز باشد که ارزش وقت گذاشتن و مطالعه کردن را داشته باشد؛ همین امر است.

اینکه در چنین جدایی و فاصله‌ای از خدا زیست می‌کنید و به ندرت با او مصاحبت دارید، فقدان عظیمی است برای شما؛ گمان مبرید که توانمندترین خادمان یا بهترین کتب

قادرنند شک‌های شما را برطرف کنند یا به دل‌های شما آرامش بخشند، آن هم در حالی که رابطه شما با خدا کم‌رنگ شده است.

اگر این دنیا را به سان تئاتری تصور کنیم، باز هم آن چنان وسیع و بسیط نیست که بتواند جلال و جبروت مسیح را نشان دهد یا حتی نیمی از ثروت و غنایی که در او نهفته است را عیان سازد. این موارد در بهشت، بهتر درک شده و راجع به آن راحت‌تر سخن گفته می‌شود. زیرا در آن روز الهی، در آن اجتماع مُنور، همگان حمد و ثنای او را بیان می‌کنند؛ بدون آنکه زبانی به لکنت افتاده و قاصر شود یا با نوشتار خود، ضعف و خدشه‌ای ایجاد کند.

آه افسوس! من در وصف و برای ستایش او می‌نویسم، اما به سان نور مهتاب! نمی‌توانم حتی نیمی از شکوه و شایستگی او را ستایش کنم. در باب مسیح چه می‌توانم بگویم؟ شکوه و جلال کبریایی او، چنان مسحورکننده است که آدمی را از بیان ناتوان می‌سازد. آن هنگام که از هر زیبایی و حلاوتی که در مخلوقات این جهان است، استعاره‌ای بسازیم و تمامی آفرینش را از زیورهایش عریان کنیم تا بتوانیم به جلال مسیح اذعان نماییم؛ افسوس و هزار افسوس! زبان ما از حمد گفتن بهر او ناتوان است. افسوس که حتی پس از انجام تمام اینها، هنوز هیچ کاری انجام نداده‌ایم.<sup>۱</sup>

1. Fountain of Life, I: xviii.

اگر تا ابد به او چشم بدوزیم، شگفتی‌های نوینی در مسیح  
هویدا خواهند گشت.<sup>۱</sup>

حلاوت و شیرینی این مبحث، چنان ژرف است که اگر  
ده‌ها هزار جلد نیز در باب آن نوشته شود، دل از آن سیر نشده  
و تهوع نمی‌گیرد. ما غالباً عادت داریم بگوییم، تکرار یک  
چیز خسته‌کننده است، که به راستی چنین هم هست، مگر  
اینکه آن یک چیز به طور بالقوه و برجسته شامل همه چیز  
باشد، همان طور که مسیح است. در این صورت آن یک چیز  
هرگز خسته‌کننده نمی‌شود، زیرا هرگونه حلاوتی در مسیح  
وجود دارد.<sup>۲</sup>

خدا به فرزندان خود اجازه می‌دهد تا نزد او گِله کنند، اما  
نه از او!<sup>۳</sup>

ای مسیحی مسکین! به سوی خدای خود شتابان شو و نزد  
او قربت بگیر. جان خود را در حضور او بریز. آن آزمایشی که  
خواهانش هستی، تنها نزد او یافت می‌شود؛ بیهوده در جای  
دیگری به دنبال آن آرامش نباش.<sup>۴</sup>

همه چیز کهنه و فرسوده می‌شود. لیکن مسیح نه فرسوده  
می‌شود و نه زوال می‌پذیرد. خون او هرگز خشک نمی‌شود.  
مسیح، دیروز و امروز و تا ابد همان است. همان طور که بدن

---

1. Twelve Sacramental Meditations, VI:414.

2. Fountain of Life, I:23.

3. The Balm of the Covenant, VI:132.

4. England's Duty, IV:254.

او در قبر فاسد نشد؛ محبت و هیچ یک از فضایل وی فساد نمی پذیرد و کاسته نمی شود. آن زمانی که مقدسین در آسمان برای ابدالآباد به او چشم می دوزند؛ اگر میلیاردها سال نیز بگذرد، طراوت و جمال و هیبت او کهنه نشده و به سان روز اول است.

هر جمالی، طلوع و غروبی دارد و روزی منقضی می شود، اما مسیح تا به ابد پایدار است. خوشی و سرور ما نسبت به هر چیزی، در ابتدای آشنایی است. هرچه بدان چیزها نزدیک تر شویم یا تعدادشان فزونی یابد، اشتیاق و مسرت ما نیز کمتر می شود. لیکن هرچه بیشتر مسیح را شناخته و بدو نزدیک تر شوید، بیش از پیش جلال او را می بینید. هرچه از منظره نزدیک تری به مسیح بنگرید، ذهن شما خوشی بیشتر و تازه تری می یابد. او هر روز تازه تر از دیروز می شود و در عین حال، همان است که بود.<sup>۱</sup>

قطره ای از فیض، بهتر از دریایی از عطایاست.<sup>۲</sup> آن ایمانی که عدالت مسیح را درمی یابد، از لحاظ توان، ممکن است درجات متفاوتی داشته باشد، اما آن عدالت دریافت شده، برای جمیع ایمانداران یکسان است. یک تکه طلا ارزشی واحد دارد، حال فرقی نمی کند این تکه طلا در دست یک کودک باشد یا در دست یک مرد بالغ. عجب

1. Fountain of Life, I:270.

2. Fountain of Life, I:294.

ایمان نجات بخش و گرانبهایی!

رحمت و آمرزش، بهر فرومایه‌ترین و بدترین گناهکاران تدبیر شده تا شوکت آن فیضِ بلاعوض و رایگان، در بالاترین حد عیان شود. خدا، گناهکارانی چون تو را برمی‌گزیند تا شوکت و جلال فیض خود را در تو و بر تو هویدا کند؛ او می‌داند تویی که آمرزش عظیمی را دریافته‌ای، محبت بسیار خواهی ورزید (لوقا ۷:۴۷).<sup>۲</sup>

مراقبت و التفاتی که خدا بهر تو در نظر گرفته، قافله زندگی توست و تو را با امنیت همراهی می‌کند تا به بندرگاه آرامش ابدی برسی.<sup>۳</sup>

بسیاری از اشخاصی که در دینداری خود صادق هستند و سرانجام به مقصد می‌رسند، اگرچه به بهشت راه می‌یابند اما مانند این است که از دروازه‌های جهنم عبور می‌کنند. به مثابه کشتی که از طوفان گذر کرده و به بندر می‌رسد. لیکن این کشتی در هم شکسته و دکل و بادبانش نابود شده است. خود عادلان<sup>۴</sup> به سختی نجات می‌یابند، یعنی با سختی‌های بسیار نجات می‌یابند.<sup>۵</sup>

---

1. The Method of Grace, II:437.

2. England's Duty, IV:154-5.

3. The Righteous Man's Refuge, III:390.

۴. منظور اشخاصی هستند که با تکیه بر اعمال، به دنبال نجات هستند (ر.ک اول پطرس ۴:۱۸).

5. Navigation Spiritualized, V:288.

ما خیر و شر اراده‌ی الهی را بر اساس لذت و آسایش جسمانی خود می‌سنجیم.<sup>۱</sup>  
 آسایشی که در آن ثروت کلان وجود داشته باشد اما روح مرده و فرسوده باشد، ناچیز است.<sup>۲</sup>

هر شامگاه، باید دل خود را کندوکاو کنیم و از این دل بپرسیم: «ای دل! امروز کجا سیر کردی؟ به چه می‌اندیشیدی؟ امروز رهسپار کدامین جاده شدی؟ امان از تو ای دل سرکش! امان از تو ای دل عاطل! نمی‌توانستی از پی سرچشمه‌ی خوشی بگردی؟ مگر از سرگرم شدن با آفریننده، تفریح بهتری هم برای آفریده هست؟»<sup>۳</sup>

می‌توان گفت شمع زندگانی، سوخته و شیشه‌ی عمر، ترک برداشته، اما هنوز چند شبانه‌روز، خیلی اندک، باید سپری شود تا عاقبت نه شبی ماند و نه روزی!<sup>۴</sup>

هر بار که برای هر طاعت و عبادتی نزد خدا می‌روی، در دل خلوت نما و به خود بگو: «ای جان من! اینک خود را مشغول مهم‌ترین کاری می‌کنم که هر مخلوقی بدان مشغول بوده؛ به پیشگاه مهیب خدا می‌روم تا لحظه‌ای در ابدیت مشغول شوم.»<sup>۵</sup>

1. Balm of the Covenant, VI:99.

2. The Seaman's Companion, V:395.

3. A Saint Indeed, V:505.

4. A Treatise of the Soul of Man, II:586.

5. A Saint Indeed, V:464.

نگذارید آنانی که در این جهان مرتبه‌ای رفیع دارند، به خود  
ببالند؛ و آنانی که پایین هستند، محزون شوند.<sup>۱</sup>

نجات، حتی اگر با شناختی ناکافی و بی‌قاعده از مسیح  
باشد، ما را به بهشت می‌رساند (یوحنا ۱۷:۲). لیکن شناختی  
با قاعده و نظام‌مند از مسیح، نه تنها ما را نجات می‌دهد، بلکه  
هم‌اکنون بهشت را به درون ما می‌آورد (کولسیان ۲:۲-۳).<sup>۲</sup>

حقیقت دارد که بعضی انسان‌های شریر، در آرامشی  
ظاهری جان می‌سپارند و بعضی انسان‌های نیکو در مشقت،  
چشم از جهان فرو می‌بندند، اما هر دو در اشتباه هستند؛  
اولی به خاطر وضعیت خوبش خود را در بهشت می‌بیند  
و دومی، به خاطر وضعیت بدش خود را بد می‌شمارد. اما  
لحظاتی بیش طول نخواهد کشید که اشتباه هر دو برطرف  
می‌شود!<sup>۳</sup>

روشنایی، کمکی ویژه برای اطاعت است. و اطاعت  
کمکی منحصربه‌فرد برای افزون کردن نور شماست.<sup>۴</sup>

او [عیسای مسیح] برای مدت زمانی از جانب خدا واگذارده  
شد، تا آدمیان برای ابد از جانب خدا واگذارده نشوند.<sup>۵</sup>

توبه، به چیزی فراتر از چند کلمهٔ ارزان بر علیه گناه نیاز  
دارد.<sup>۶</sup>

1. A Sermon Preached at the Funeral of John Upton, VI:136.

2. Fountain of Life, I:21.

3. England's Duty, IV:297.

4. Fountain of Life, I:143.

5. Method of Grace, II:247.

6. Method of Grace, II:62.

فیض بی‌همتا و عظیم این عاشق سماوی این‌گونه نمایان می‌شود که عیسی مسیح از کنار میلیون‌ها مخلوق شکوهمند و توانا می‌گذرد، بی‌آنکه به آنان پیشنهادی بدهد. روی به سوی آنان نمی‌گرداند و در خانه ایشان رانمی‌کوبد. لیکن سراغ تو را می‌گیرد، تویی که حقیرترین و کوچک‌ترین در بین مخلوقات! اما تا فرمایش خود را بهر تو تمام نکند، منزلت را ترک نمی‌نماید.<sup>۱</sup>

اینکه مسیح همه ایمانداران را به خانه، نزد پدر می‌آورد، سروری و صف‌ناشدنی برایشان است. زیرا با وجود هر آگاهی و دانشی که ایشان از خدا داشتند و با وجود هر نگاهی که بر حسب ایمان از خدا و مسیح ناجی داشتند؛ باز هم در آن روز، شگفت‌زده می‌شوند. آن روز، جمیع خواهش‌های ایشان انجام شده و حاجت‌هایشان رواگشته؛ چون اینک به جایی رسیده‌اند که بایستی در آنجا باشند و شوق جان خود را دریافته‌اند.<sup>۲</sup>

نجات‌یافتگان نباید در این دنیا و این سواز بهشت، انتظار آرامش و لذت کامل از خدا را داشته باشند. زندگی ایمانداران در این دنیا، سیاحت و چشم‌انتظاری است. ایشان در حال نزدیک شدن به خدا هستند (اول پطرس ۲: ۴) و خدا اساس و آرامش جانشان است (عبرانیان ۹: ۴). چنانکه تا رودخانه‌ها به دریا نریزند، آرام نمی‌گیرند، به همین سان جانی که احیا

1. England's Duty, IV:127.      2. Method of Grace, II:283.

شده، تا در آغوش خدا آرام نگیرد، قرار نخواهد داشت.<sup>۱</sup>  
مرگ برای مقدسین، دری است که به سوی لذت الهی باز  
می‌شود؛ مسیحی که رو به موت است تقریباً به خانه رسیده،  
اندکی تقلا می‌کند و رنج می‌کشد ولی عاقبت نزد خدایش  
می‌رود؛ کسی که حضورش شادمانی محض است. روزی که  
این ساحل را ترک می‌کنیم، در آن ساحل متبارک [آسمانی]  
لنگر می‌اندازیم، جایی که تا ابد صورت خدا را نظاره کرده و  
مسرور می‌شویم.<sup>۲</sup>

از مرگ، می‌توانید بطالتِ مخلوقات و پوچی و ناچیزی  
بهترین چیزها در جهان را بیاموزید.<sup>۳</sup>

خویش‌تنداری و پاکی دل و داشتن منش و رفتاری درست،  
مهم‌ترین کاری است که یک مسیحی می‌تواند در زندگی خود  
بدان مشغول باشد.<sup>۴</sup>

وه که مشتاق دلی نیکو هستم! آری، دلی که دوستدار  
خدا باشد، از گناه بیزاری جوید و بیشتر با خدا هم‌قدم  
شود؛ خداوندا! مباد که ارزانی کردن چنین دلی را از من دریغ  
سازی! هرچه خواهی از من دریغ کن اما این خواهش را رد  
مفرما! به من دلی عطا نما که ترس از تو در آن باشد. دلی که  
بیشتر به تو عشق ورزیده و خوشی‌اش تو باشی!<sup>۵</sup>

1. Method of Grace, II:284.    2. Method of Grace, II:284-5.

3. Funeral of John Upton, VI:130.

4. A Saint Indeed, V:425.    5. A Saint Indeed, V:427.

او حقیقتا لبریز و غنی از فیض است؛ فیضی که تحت  
تاثیر غنائش نیست.<sup>۱</sup>

از بابت اینکه آرامش خاطر داشته باشی به تو می گویم  
اگر به صلاح نبود، خدا تو را با این مشقات و دلتنگی ها  
درگیر نمی ساخت. غالبا فغان سر می دهی: «خداوند!  
چرا اوضاع این گونه است؟ چرا تمام روز نالان و غمگینم؟  
مدت هاست که با این دل سنگی دست به گریبان بوده ام،  
اما این سخت دلی در هم نشکسته است. سال هاست که  
برای این افکار عبث دعا می کنم و در برابرشان مقاومت به  
خرج می دهم. لیکن همچنان گرفتار و حیران این افکارم. چه  
زمانی دلی بهتر عایدم می شود؟ متحمل درد زایمان شده ام  
اما چیزی جز باد هوا نزیاییده ام! نه رهایی یافته ام و نه فساد  
درونی من ساقط شده! این دل را بارها و بارها به جلسات  
دعا، موعظه و آیین های کلیسایی برده ام و چشم انتظار شفا  
یافتنش هستم. لیکن این جراحی نه بسته می شود و نه  
خونریزی اش قطع می شود!»

ای روح محزون و افسرده! باشد که این سخن تو را تسلی  
دهد! خدا این امر را به جهت منفعت تو مقرر کرده؛ حتی با  
وجود اینکه گله داری:

۱. زیرا به این ترتیب، به تو رخصت می دهد که نظاره کنی  
طبیعت قلب تو چگونه بوده و هست؛ و متوجه شوی که

---

1. A Saint Indeed, V:438.

چه فیض بلاعوض و عظیمی به تو بخشیده است. او اجازه می‌دهد که این تمرین‌های روحی را تجربه‌نمایی تا پیشانی خود را بر زمین بنهی و او را حمدگویی که خداوند جلال، چنین وزغ زشتی را پذیرفته؛ او این موجود زشت‌روی را در آغوش کشیده است. دل سخت و فرومایه تو اگر در هیچ چیزی خوب نباشد، در این مورد به خوبی عمل می‌کند که مشغول ستایش و خدمت خدا بوده و از پی آن فیض بلاعوض و بیکران بگردد.

۲. این برای آن است که تو را پیوسته از تکیه کردن، یا حتی نگاهی گذرا به عدالت یا برتری خودت بازدارد. خطایا و فساد دل تو در هر جنبه از کارهایت مشخص می‌شود. همین مطلب باعث می‌شود تو انسانی عاقل و منطقی باشی تا حس کنی در کارهایت کوتاهی کرده و قاصر آمده‌ای. اگر متوجه این خطایا نمی‌شدی و بدان‌ها نمی‌اندیشیدی، آیا ممکن نبود که خود را تحسین کرده و با اغراق، خود را دوست بداری؟ اگر علی‌رغم اینکه می‌دانی قلبی ناپاک و مغرور داری، باز هم خطا می‌کنی، اگر این ناله و احوال را نداشتی، اوضاع چقدر بدتر می‌بود؟

۳. نکته آخر اینکه چنین احوالی باعث می‌شود نسبت به دیگران، مهربان‌تر و دلسوزتر باشی؛ اگر چنین حال و احوالی از خودت و دل سرگردانت نداشتی، شاید نسبت به دیگران نیز که در مشقت به سر می‌برند، این چنین دلسوزی نمی‌کردی.<sup>۱</sup>

---

1. A Saint Indeed, V:508.

دل آدمی، پیش از احیاء شدن، بدترین قسمت و پس از احیاء شدن، بهترین قسمت اوست. دل انسان، مقرر اصول و منشا اعمال است. خدا به دل می‌نگرد و شخص مسیحی نیز، بایستی به دل چشم بدوزد. سخت‌ترین مسئله هنگام تغییر کیش و مسلک، مجذوب ساختن دل به سوی خداست و پس از تبدیل شدن، حفظ دل با خدا سخت‌ترین عمل است. تنگنا و تاکیدی که مذهب وارد می‌سازد در همین است؛ اینجاست که راه حیات باریک و در بهشت تنگ می‌شود.<sup>۱</sup>

چه بسیارند کسانی که به واسطهٔ ارابه‌های لذات دنیوی، به جهنم رفته و در عین حال، عده‌ای دیگر با پُتکِ مصیبت راهی بهشت شده‌اند!<sup>۲</sup>

مباد هیچ کس به غیر از بندگان گناه، اسیر خوف باشند و مباد هیچ کس به غیر از آنانی که به شریر دل خوش کرده‌اند، از شریر بترسند.<sup>۳</sup>

مواجه شدن با یک شیر آزاد وحشتناک است. لیکن چه کسی از شیری که در قفس است می‌ترسد؟<sup>۴</sup>

آمیختن فرایض مذهبی با روحیه‌ای غافل و بی‌بندوبار، زحمت چندانی نمی‌طلبد، اما اینکه خود را به پیشگاه خدا ببری و اندیشه‌های عاطل و باطل خود را به حضور جدی

1. A Saint Indeed, V:423.

2. A Saint Indeed, V:438.

3. A Saint Indeed, V:450.

4. A Saint Indeed, V:451.

و مستمر او گره بزنی، برایت هزینه‌ای در بر خواهد داشت. دست یافتن به زبانی سلیس و ساده در دعا و ادای سخن با عبارات مناسب و شایسته آسان است، اما شکستن دل به هنگام اعتراف به گناه؛ ذوب شدن در فیض بلاعوض الهی هنگام شکرگزاری به درگاه او؛ شرمساری و فروتن شدن واقعی در برابر درک قدوسیت بی‌نهایت خدا و حفظ این حالت نه تنها در حین خدمت، بلکه بعد از آن مطمئناً همراه با ناله‌ها، درد و رنج خواهد بود.

فرو نشانیدن اعمال به ظاهر گناه‌آلود و آراستن ظاهر بیرونی زندگی به نحوی زیبا کار طاقت‌فرسایی نیست! حتی اشخاص نفسانی با اصول رایج خود می‌توانند چنین کنند. اما ریشه‌کنی فساد درونی و حکم فرما ساختن راستی و پاکی بر افکار و داشتن قلبی بی‌غل و غش امری دشوار است.<sup>۱</sup>

فراموش نکن خداست که جمیع مخلوقات را در دست دارد و او پدر توست. او چنان نسبت به تو رؤف و مهربان است که تو نسبت به خویشتن نیستی؛ «هر که دست بر شما نهد، بر مردمک چشم او [خداوند] دست نهاده است» (زکریا ۲: ۸).<sup>۲</sup>

تو می‌گویی: «هرچه در توان دارم انجام می‌دهم! لیکن نمی‌توانم با خدا همدل بمانم.» ای جان من! اگر آنچه را که

1. A Saint Indeed, V:428.

2. A Saint Indeed, V:451.

انجام می‌دهی از صدقِ دل باشد؛ خداوند تلاش تو را با وجود اینکه پریشان‌خاطر هستی و دلت ناآرام است، می‌بیند. [او می‌داند] که هنوز اندکی خوی وحشی‌گری، حتی در بهترین اشخاص وجود دارد که بایستی فروتن شوند.<sup>۱</sup>

به کمال رسیدن فیض در ما، به خویشتنداری و پاکدلی مان بستگی دارد. هرگز ندیده‌ام که فیض الهی در جانی لابلای و سبک سر ریشه گرفته و رشد کند؛ فیض در دل ریشه کرده و خوی می‌گیرد و هرچه بیشتر در دل ریشه بگیرد و عمیق شود، بیش از پیش شکوفا شده و ثمر می‌آورد.<sup>۲</sup>

یک دل بی تفاوت، بهره‌ای از هیچ وظیفه یا آیینی که انجام می‌دهد یا در آن شرکت می‌جوید، نمی‌برد؛ با این حال این آیین‌ها، مجراهای فیض الهی هستند که از طریق آنها فیض الهی جاری شده و ثمربخش می‌گردد. یک انسان با روحی سبک سر، می‌تواند از آیینی به آیین دیگر برود و تمام ایامش را تحت بهترین تعالیم سپری کند و با این وجود، در او بهبود و تغییری مشاهده نشود؛ چرا که غفلت و اهمال‌کاری در بطن وجودش ریشه کرده و هیچ تجلی آسمانی بر غنای آن روح تاثیر نمی‌گذارد (متی ۱۳: ۳-۴).<sup>۳</sup>

گرچه خداوند حق در سختی افکندن قومش را برای خود محفوظ نگه داشته، اما با وعده‌اش دست‌ان خود را بسته تا

1. A Saint Indeed, V:431.

2. A Saint Indeed, V:435.

3. A Saint Indeed, V:436.

هرگز محبتش را از ایشان دریغ ندارد. ای دل! ای دل متکبر  
من! خداوند تمامی درخت را با تمام خوشه‌های فراغتی که  
رویش می‌روید، به تو ارزانی داشته است. آیا سزاوار است  
که تو به خاطر وزیدن باد و افتادن چند برگی که خدا اجازه  
افتادنش را داده، ناخشنود باشی؟ اگر او محبت خود را دریغ  
می‌نمود یا پیمان‌ش را با جانم نادیده می‌گرفت، من دلیلی  
برای دلشکستگی داشتم. لیکن او چنین نیست و چنین  
نخواهد کرد.<sup>۱</sup>

هیچ موجودی قادر نیست علیه تو حرکت کرده و دست و  
زبانی بجنباند، مگر به اذن او (خدا).<sup>۲</sup>

خدا تو را برنگزید چون متعال هستی. لیکن چون پست و  
پایین هستی، همچنین تو را ترک نخواهد کرد.<sup>۳</sup>

هنگامی که تقدیر، مال و دارایی‌ات را از بین می‌برد؛  
دوستان گرمابه و گلستان با تو غریبی می‌کنند، چون  
واهمه دارند مبادا بداقبالی‌ات دامن‌گیر آنان هم بشود، اما  
آیا خدا نیز با تو چنین رفتار می‌کند؟ هرگز و هیچ وقت،  
زیرا او فرموده: «تو را هرگز و نخواهم گذاشت، و هرگز ترک  
نخواهم کرد» (رساله عبرانیان ۵:۱۳). چه مصیبتی می‌بود  
اگر فقر و فلاکت باعث می‌شد به خدا دسترسی نداشته  
باشی. لیکن [با وجود چنین شرایطی] مثل همیشه قادر

1. A Saint Indeed, V:441-2.    2. A Saint Indeed, V:442.

3. A Saint Indeed, V:442.

هستی آزادانه نزد خدا بروی.<sup>۱</sup>

تو آن چنان به قلب او (خدا) نزدیک هستی که نمی‌تواند به تو آسیب برساند. هیچ چیز به اندازه بدگمانی‌های بی‌اساس تو نسبت به نقشه‌های خدا نمی‌تواند او را محزون سازد. اگر طبیبی مهربان و دلسوز، پروندهٔ بیمارش را بخواند و بهترین دستورالعمل را برای نجات جان‌ش ارائه دهد، آیا غمگین نخواهد شد اگر بشنود آن بیمار فریاد می‌کشد: «امان از دست آن طبیب! مرا هلاک کرد! مرا مسموم کرد!»؛ صرفاً به خاطر اینکه طی جراحی، درد کشیده است!<sup>۲</sup>

در نظر داشتن این موضوع که ممکن است خدا با چنین تدابیر متواضع‌کننده‌ای، در حال برآورده ساختن آن چیزی باشد که مدت‌ها برایش دعا کرده و منتظر بوده‌ای، در نامایمات بسیار موجب تسکین و قوت قلب می‌گردد. آیا باید از این سبب مضطرب شوی؟ ای مسیحی! آیا تا به حال به درگاه او دعا نکرده‌ای، مخصوصاً در رابطه با این مسائل که خدا تو را از گناه محفوظ دارد، پوچی و نابسندگی مخلوقات را برایت آشکار کند و اینکه خدا، هوی و هوس‌های تو را بزداید تا دلت در هیچ خوشی جز مسیح، آرامش نداشته باشد. شاید اینک، خدا با چنین ضربات

1. A Saint Indeed, V:442.

2. A Saint Indeed, V:442.

فروتن‌کننده و تهی‌کننده‌ای آرزوی تو را روا می‌دارد.<sup>۱</sup>  
آیا برایت کافی نیست که خدا آن چنان فیاض است که  
مرادت را برآورده می‌کند؟ تو چنان گستاخی که توقع داری  
مرادت را مطابق با روشی که مد نظر داری، برایت برآورده  
سازد!<sup>۲</sup>

می‌توانید ماتم کنید و چه بسا که باید هم چنین کنید، اما  
نباید خودآزاری نمایید. می‌توانید به خدا گله کنید، اما گله  
از خدا حتی از طریق رفتار نامناسب و با زبان کردارت جایز  
نیست.<sup>۳</sup>

لوتر در پایان وصیت خود چنین گفت: «خداوند! تو به من  
همسر و فرزندان بخشیدی، من چیزی ندارم که برایشان به جا  
بگذارم. لیکن ایشان را به تو می‌سپارم.»<sup>۴</sup>

این حقیقت را در دل حفظ کن که هیچ مصیبتی برای صهیون  
رخ نمی‌دهد، مگر به اراده‌ی خدای صهیون؛ او اجازه نمی‌دهد  
اتفاقی رخ دهد که سرانجام سبب خیریت قوم خود نشود.<sup>۵</sup>

خب همان‌طور که لوتر به ملانکتون گفت، فیلیپ باید  
دست از مدیریت دنیا بردارد: <sup>۶</sup> «به تو می‌گویم تنها بر حکمت

1. A Saint Indeed, V:443.

2. A Saint Indeed, V:443.

3. A Saint Indeed, V:446.

4. A Saint Indeed, V:494.

5. A Saint Indeed, V:446.

۶. در این قسمت لوتر به زبان لاتین به ملانکتون می‌گوید: «Desinat  
Philippus esse rector mundi» که یعنی: «فیلیپ! تو فرمانروای دنیا

نیستی.»

و قدرت و محبت بیکران تکیه کن، زیرا تمامی مخلوقات به واسطهٔ آن در جنب و جوش هستند؛ در رابطه با کلیسا [هم بدان] کار هیچ کدام از ما فرمانروایی بر دنیا نیست، بلکه [کار ما] تسلیم شدن به کسی است که فرمانروای عالم است.<sup>۱</sup>

ترس، احساسی ضربه‌زننده و عذاب‌آور است. ترس از گناه، کوه می‌سازد و مسئله را بزرگ‌تر از چیزی که هست جلوه می‌دهد. در نتیجه ترس، جان آدمی را بیشتر از خود مشکل اصلی زجر و عذاب می‌دهد.<sup>۲</sup>

دلِ ترسان خود را با مرور کردن وفاداری و مرحمتی که خدا در گذشته داشته، آرام ساز؛ اینکه او در گذشته چطور هنگام سختی از تو مراقبت کرده است. [مرور کردن] این تجربیات به سان خوراکی برای ایمان شما در شرایط بیابانی می‌باشد.<sup>۳</sup>

باید اعتراف کنم که فقر نیز همانند ثروت، و سوسه‌های خود را دارد، اما مطمئن هستم که «ثروت» بی‌بهره از این مزایای عالی «فقر» است؛ [هنگام فقر] پی می‌بری که محبتت به خدا چقدر صادقانه است. آن هنگام که قادر باشی با تکیه بر او زیست کنی، کفایت را در او می‌یابی و پیوسته از خدا پیروی می‌کنی؛ حتی اگر تمام امور بیرونی با شکست مواجه شوند.<sup>۴</sup>

به محض اینکه تن بمیرد، روح برخوردار از فیض، در حیات ابدی فرو می‌رود (رومیان ۸: ۱۰-۱۱). هنگامی که از این

1. A Saint Indeed, V:447.

2. A Saint Indeed, V:453.

3. A Saint Indeed, V:454.

4. A Saint Indeed, V:463.

ساحل رهایی یابی، روح بر بال فرشتگان به پرواز درآمده و به سوی ساحل پر جلال ابدیت برده می‌شود.<sup>۱</sup>

گاهی پیش از آنکه دلی، تکان خورده، قوت یافته یا گرم شود، عبادت پایان می‌یابد. با این وجود، دلی که آماده باشد، مشغول انجام کار خود می‌شود. چنین شخصی همان است که در موعظه، اولین جلوه را؛ در آیین کلیسایی، اولین نشان را و در دعای خلوت، اولین بوسه مسیح را دریافت می‌کند. آنچه را که خود احساس نموده‌ام به شما می‌گویم: «اگر دل‌هایی آماده‌تر و منظم‌تر برای موعظه و دعا می‌آوردید، دعا و موعظه به شکل متفاوت‌تری برای شما به نظر می‌رسید. در این صورت است که دلسرد و مایوس نمی‌شدید.»<sup>۲</sup>

دل آدمی همیشه گرسنه و بی‌تاب است و چیزی برای خوردن خواهد یافت. اگر خوشی را در خدا نجوید، در میان مخلوقات به دنبال شکار می‌گردد و غالباً همه چیز را از کف می‌دهد و نافرجام می‌ماند. هیچ چیز دل را در هم‌قدم شدن با خدا وفادار نمی‌کند، مگر آن شیرینی که در هم‌قدم شدن با خدا می‌یابد.<sup>۳</sup>

هنگامی که جریان تسلی کم شده و اوضاع، به سمت سختی پیش می‌رود، بهترین دل‌ها نیز مستعد بدگمانی به سرچشمه (لطف الهی) هستند. زمانی که آرد داخل بشکه و

1. A Saint Indeed, V:491.

2. A Saint Indeed, V:500.

3. A Saint Indeed, V:506.

روغنِ داخل کوزه رو به اتمام می‌رود، ایمان و شکیبایی ما نیز از دست می‌رود. دشوار است که بتوان دلی متکبر و بی‌ایمان را در سکوتی مقدس، با تسلیمی شیرین نزد خدا نگه داشت. آن هنگام که انباری پر از غلات یا کیفی پر از پول داریم، صحبت کردن از اعتماد بر خدا برای نان روزانه ساده است، اما اینکه به سان حَبَقُوقِ نبی بگوییم: «اگرچه درخت انجیر شکوفه نیاورد، و میوه در موها یافت نشود... لیکن من در خداوند شادمان خواهم بود» مسلماً کار ساده‌ای نیست (حَبَقُوقِ ۳: ۱۷).<sup>۱</sup>

برای من، سپری کردن ساعتی در خلوت و زاری نمودن در پیشگاه خدا به خاطر فساد درونی، بامعنا تر است تا اینکه ساعت‌ها در ظاهر غیورانه ولی در باطن مُرده، برای خدمت، بزرگ‌نمایی کنم و جلوه و ظواهر را چاشنی کار سازم! عیسی مسیح با همین مورد، مسیحیت راستین را از مسیحیت نمایشی متمایز می‌کند (ر.ک متی ۵: ۶). یکی بهر کوجه و کنیسه و برای جلب انظار عمومی [دینداری می‌کند] و دیگری اگرچه از دیده‌ها پنهان است، اما در دل و در خانه [نزد خدا] دینداری می‌کند.<sup>۲</sup>

هرگز به خاطر نداشتن چیزهایی که دیگران دارند، که ممکن است به لعنت ابدی گرفتارشان سازد، پریشان خاطر

1. A Saint Indeed, V:457.

2. A Saint Indeed, V:507.

نشو، بلکه خدا را متبارک بخوان به خاطر آن چیزهایی که هیچ کس ندارد، جز محبوبان آسمانی<sup>۱</sup>.  
افراد بسیاری اینک در جهنم به سر می‌برند که مغز و فهمشان بهتر از تو بوده. در عین حال، بسیاری نیز در بهشت هستند که مانند تو از بدکار بودن دلشان گله می‌کردند.<sup>۲</sup>  
به زودی، خداوند به تمامی این دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌ها پایان خواهد داد. روزی فرا می‌رسد که قلبت چنانکه آرزویت را داشتی پاک شده و از جمیع این ترس‌ها و غم‌ها رها می‌گردد. [آن زمان] دیگر لازم نیست که فغان سر بدهی: «وای بر دلِ سخت، مغرور، باطل و زمینی من!» آن هنگام که هر تیرگی از درک تو زدوده شود و در شفافیت بتوانی جمیع حقایق خدا را ببینی؛ آن اقیانوس بلورین حقیقی؛ آن زمان که هر چیز عبثی از اندیشه‌هایت جدا شود؛ آن زمان است که تا ابد، فقط و فقط با نیکویی مطلق و آن خیریت عالی سرگرم هستی و دیده‌ات از تعالی خدا روشن می‌شود و دیگر، به سان نی خمیده نخواهی بود.<sup>۳</sup>  
برای بعضی از اشخاص دشوار است که بدون «حسادت» به موهبت‌های سایرین و بدون «تکبر» به موهبت‌های خویشان نگاه کنند.<sup>۴</sup>

خداوند مهربان ما عیسیای مسیح، در نهایت شکیبایی و

1. A Saint Indeed, V:507-8.      2. A Saint Indeed, V:508.

3. A Saint Indeed, V:508-9.      4. Fountain of Life, I:24.

بخشش تو را متقاعد کرده که چقدر ناگوار خواهد بود اگر تو را ترک کرده یا از دست بدهد! تا به امروز، او دستان خود را دراز و آغوش خود را باز کرده تا شما را جمع کند؛ آیا جمع نمی شوید؟ افسوس! وای از این همسایگان بینوا! آیا این تعداد از آنها باید هلاک شوند؟ خداوند! این مردم با چه برهانی به سمت شادی حقیقی ترغیب می شوند؟<sup>۱</sup>

از یاد مبر که مرگ به زودی، تمام خانواده‌ات را از بین برده و هلاکشان می سازد.<sup>۲</sup>

دوستان عزیزم! هوشیار باشید که هیچ یک از شما [در برابر مسند خدا] بدون مسیح قرار نگیرد. آنانی که اینک، بدون مسیح به زیستن ادامه می دهند، [در برابر مسند خدا] بی زبان خواهند بود.<sup>۳</sup>

هیچ آموزه‌ای به ذات عالی و بی نقص نیست و هیچ آموزه‌ای، بهتر و ضروری‌تر از خود عیسی مسیح و مصلوب شدنش برای مطالعه و موعظه نمی باشد.<sup>۴</sup>

شناختن عیسی مسیح، هسته و شالوده کل کتاب مقدس است. وسعت و مرکز جمیع مکاشفات الهی هر دو عهد، در مسیح یکدیگر را ملاقات می کنند.<sup>۵</sup>

شناخت مسیح ژرف و وسیع است. هر علمی سایه‌ای

1. Fountain of Life, I:28.

2. Fountain of Life, I:29.

3. Fountain of Life, I:30.

4. Fountain of Life, I:34.

5. Fountain of Life, I:34.

بیش نیست. [شناخت مسیح] دانشی بی‌کمران است، به سان اقیانوسی بی‌انتها. اگرچه در هر دوره‌ای، چیزی از مسیح هویدا و در دوره‌ای دیگر، موردی دیگر مکشوف می‌شود. لیکن حتی ابدیت هم گنجایش هویدا شدن کامل مسیح را ندارد.<sup>۱</sup>

کفایت و قابلیت آموزه مسیح در این است که آدمی را به نجات، حکمت می‌بخشد. اگر اندک فهمی از این امر، برای شما نجات بخش بوده و بر دل شما اثربخش باشد، بسیار بیشتر از مباحث عمیق و جدل‌های بیهوده‌ای که دیگران بدان می‌پردازند، به جان شما خدمت می‌کند. ای مسیحی بینوا! افسرده نباش از اینکه [دانش] خود را اندک دیده و دیگران را در مباحث، عمیق‌تر می‌یابی. اگر عیسای مسیح را می‌شناسی، این شناخت برای تسلی و نجات دادن جانت کافی است. چه بسیارند فیلسوفان فرهیخته‌ای که اینک در قعر جهنم بوده و مسیحیان کم‌سوادی که در عرش برین هستند.<sup>۲</sup>

بهترین موعظه آن است که لبریز از مسیح باشد، نه لبریز از فن بلاغت. من آگاهم که گفتار پاک، سزاوار خادمین مسیح است؛ ایشان بایستی عفت کلام داشته و نباید نسبت به گفتار خود بی‌توجه باشند، زیرا فضیلت موعظه در این امر

1. Fountain of Life, I:36.

2. Fountain of Life, I:38.

نیست، بلکه در کشفیات واضح و زنده‌ترین کاربردها از عیسی مسیح نهفته است.<sup>۱</sup>

مشتاقانه مطالعه نمایید تا مسیح را بهتر بشناسید و بدین وسیله، طعم تجربه و قدرت پویایی را که از شناخت او ناشی می‌شود بر قلب و احساس خود دریابید. هر حلاوت و هر تسلائی در این شناخت نهفته است. ای مسیحی! من به تجربه تو متوسل می‌شوم؛ آیا چشیدن تجربی عیسی مسیح در فرامین و وظایف، حلاوتی بیشتر و برتر از هر آنچه در دنیاست، ندارد؟ پس خود را جدا و وقف نما و تمام قوت و زمان خود را به این مطالعه شیرین و عالی اختصاص بده.<sup>۲</sup>

ما در مقام دوستان داماد، خوانده شده‌ایم تا جان آدمیان را برای مسیح خواستگاری کرده و نزد او ببریم؛ نزد او که در میان مردمان به صلیب کشیده شده (غلاطیان ۱:۳) و او را با تمام جاذبه‌هایش عرضه کنیم تا تمام دل‌ها، مسحور زیبایی او گشته و در آغوشش، شیفته محبتش شوند.<sup>۳</sup>

زمان و موهبت‌هایی که داری، متعلق به تو نیستند، بلکه از آن خدا هستند.<sup>۴</sup>

همان‌طور که می‌دانی خدا سرچشمه و اساس تمام لذت‌ها و شادی‌هاست.<sup>۵</sup>

1. Fountain of Life, I:39.

2. Fountain of Life, I:39-40.

3. Fountain of Life, I:40.

4. Fountain of Life, I:41.

5. Fountain of Life, I:46.

مبادا نسبت به شناختی که از مسیح یافته‌اید، راضی شوید. در عوض به سوی کمال پیش بروید. این از تکبر و جهالت غالب اندیشمندان است که وقتی به چند پندار خام و نپخته می‌رسند، خودبین و غرق دستاوردهایشان می‌شوند. همچنین گناه بسیاری از مقدسین این است که وقتی متوجه می‌شوند داشتن معرفت نسبت به مسیح، چقدر عمیق است و برای شناخت بهتر او باید متحمل چه رنج‌هایی شوند، دست از کار کشیده و فغان سر می‌دهند که ناتوان از کندوکاو بیشتر هستند. اما شما ای مسیحیان! از کار خود غافل نشوید، مبادا چراغ مطالعه‌تان خاموش شود؛ خود را وقف این مطالعه کنید. هر چیزی را نسبت به آن فضیلتی که در شناخت عیسی مسیح است، فضله بشمارید.<sup>۱</sup>

مسیح، آن سوگلی و محبوب اعظم در آسمان است؛ تصویر او بر جان شما و اسم او در دعای شما، هر دو نزد خدا مقبول شده است.<sup>۲</sup>

چقدر عیسی مسیح سزاوار شوق و محبت ماست؟ می‌دانید که پدر تا چه حد از او خشنود است و چطور قلب پدر برای او می‌تپد؛ آیا به همین منوال قلب ما نیز نباید برای او بتپد؟ امروز من، مسیحی را نزد شما می‌آورم که می‌تواند هر [دل] و جانی را به تسخیر خود درآورد. آیا این خداوند عزیز،

1. Fountain of Life, I:42.

2. Fountain of Life, I:50.

عیسای مسیح را می‌بینی؟ آن هنگام با عشق به خانه برو، زیرا به یقین او نجات دهنده است (یوحنا ۱۲:۳۲). چرا عواطف و احساسات گرانبهای خود را صرف امور باطل می‌کنید؟ هیچ کس جز عیسای مسیح سزاوار این احساسات نیست؛ هنگامی که محبت خود را صرف چیزهای دیگر می‌سازید، مگر چیزی جز تفاله‌هایی با روکش طلا نصیبتان می‌شود؟ خداوند دل‌های ما را به سوی محبت مسیح هدایت می‌کند. کاش که دل و محبت و شادی ما هم‌رأی با قلب خدا بود و بر آن فرخنده‌ی متبارک توجه می‌کرد. آن که جایگاه خود را در آغوش خدا برای تو رها کرد، بگذار در آغوش تو جای گیرد؛ اگرچه آغوش تو در برابر آغوش خدا هیچ است. او که آغوش خدا را برای تو ترک کرد، سزاوار [محبت و توجه] توست.<sup>۱</sup>

چه سعادت‌ی بود اگر مسیحیان گیج و حیران، نگاهشان را از ضعف خود در اطاعت برداشته و به کمال مطلق مسیح در اطاعت چشم می‌دوختند؛ به این ترتیب اگرچه لنگ و معیوب‌اند، خود را در او کامل می‌یافتند.<sup>۲</sup>

آنچه دین مسیح بود، بهر ما فیض است. خدا عجب رفیق دیرینه‌ای برای ماست.<sup>۳</sup>

خدا، عیسای مسیح را به عنوان نان به فقرا داده تا با ایمان تناول کرده و حیات یابند.<sup>۴</sup>

1. Fountain of Life, I:50.

2. Fountain of Life, I:59.

3. Fountain of Life, I:60.

4. Fountain of Life, I:66.

همان طور که خیریت شما، فرجام مسیح شد؛ بادا که جلال او نیز، فرجام شما باشد.<sup>۱</sup>

ای برادران! مبادا سخنان شما به سان پاهای مرد لنگ باشد که سست و معیوب است (امثال ۲۶:۷)؛ یک روز سرد و روز دیگر گرم، یک بار محتاط و بار دیگر بی پروا، یک روز غرق شادی روحانی و روز دیگر غرق خوشی نفسانی.<sup>۲</sup> نام عیسی تمام انجیل را در بر دارد.<sup>۳</sup>

عیسای مسیح، به سان یک میانجی یا داور است که دست خود را بر [شانه] هر دو طرف می‌گذارد. او دست خود را بر خدا گذاشته و می‌گوید: «ای پدر! آیا می‌خواهی با آنها مصالحه کرده و ایشان را دوباره مورد لطف خود قرار دهی؟ اگر چنین می‌خواهی، از تمام کارهایی که علیه تو کرده‌اند [چشم‌پوشی کرده] و در عوض خشنود خواهی شد.» سپس دست خود را بر آدمی گذاشته و بدو می‌گوید: «ای گناهکار بینوا! مایوس نشو، چرا که عادل شمرده شده و نجات خواهی یافت.»<sup>۴</sup>

مسیح آمده تا ذهن خدا را بر ما آشکار سازد.<sup>۵</sup> بگذار تمام جلال بهبود یافتن تو، از آن او باشد. منطقی است آن کس که بها را تعیین کرده، تمامی حمد و ثنا را در اختیار داشته باشد.<sup>۶</sup>

1. Fountain of Life, I: 101.

2. Fountain of Life, I:105.

3. Fountain of Life, I:108.

4. Fountain of Life, I:109.

5. Fountain of Life, I:109.

6. Fountain of Life, I:152-3.

نور، یاوری ویژه برای اطاعت است و اطاعت، امدادی است منحصر به فرد برای فزونی نور شما.<sup>۱</sup>  
 در بهترین کارهای ما نیز، رد پای حماقت دیده می شود؛  
 ما حتی قادر به اظهار بحث با خدا نیستیم. لیکن این هنر از  
 آن مسیح است.<sup>۲</sup>

عیسای مسیح، ذهن خدا را به مردم با شیوه ای خوشایند،  
 محبت آمیز و متین تعلیم داد؛ سخنان او، قلب مردم را به  
 تپش می آورد. چه جانانه و دلپذیر سخنان مسیح که بر  
 دل های سوزان و نرم شده مردم جاری می گشت. او با رشته  
 محبت، مردمان را به سوی خود می کشید؛ هیچ کس را  
 دلسرد نکرد و آنانی را که نزدش می آمدند، ملامت نمی کرد.  
 اما به دلیل مصاحبت و همکلام شدنش با پست ترین  
 گناهکاران، اغلب مورد سرزنش واقع می شد.<sup>۳</sup>

ممکن است دیگران نسبت به شما، در بعضی امور آگاهی  
 بیشتری داشته باشند، اما برای نجات جان خود آن قدر هم  
 در دانستن ناتوان نیستید؛ اگر مسیح، استاد شما باشد. شاید  
 آن اشخاص در سایر علوم بر شما برتری داشته باشند، اما  
 اگر عیسای مسیح و حقیقت را در او بشناسید، این فهم  
 و شناخت شما به دریایی از موهبت و توانایی های آنان  
 می ارزد.

1. Fountain of Life, I:143.

2. Fountain of Life, I:170.

3. Fountain of Life, I:125.

قطره‌ای از حقیقت که با ایمان و دعا از مسیح دریافت شده باشد، بهتر است از ده‌ها هزار پندار خشک و خام که با چنگ و دندان به دست آمده باشد. در بهترین حالت، می‌توان گفت یکی از این دانش‌ها طبیعی و دیگری فراطبیعی است که از اشراق نجات بخش و آموزه‌های درونی روح آمده است. از لحاظ اثربخشی نیز، دومی از اولی بهتر است. سایر معرفت‌ها قلب آدمی را خشک و تهی و بی‌ثمرها می‌کنند، گویی در سر انسانِ دیگری نشسته، اما اندک معرفتی که مسیح به شما آموخته، به نحوی خوشایند بر عواطف شما جاری شده و به شیرینی، در دل شما که نرم و گوشتین شده می‌نشیند.<sup>۱</sup>

هیچ بُعدی از زمان نمی‌تواند کمال این قربانی ابدی را از بین ببرد.<sup>۲</sup>

ای که خواننده این کلامی! از تو تمنا می‌کنم اگر یکی از نجات‌یافتگان هستی و مورد آموزش واقع شده‌ای؛ به آن اسناد [محکومیت] که باطل شده، بنگر و ببین چه بهای گرانی بھر تو پرداخت شده است. چه می‌توانی انجام دهی جز اینکه به پای آن فیض بلاعوض او بیفتی و بر آن بوسه زنی؛ بر آن پایی که به سوی گناهکاری پست آمده؟ اجازه بده این امور بر قلب نرم شده‌ات جاری شود و بر آن اثر کند.<sup>۳</sup>

1. Fountain of Life, I:127.      2. Fountain of Life, I:158.

3. Fountain of Life, I:161-2.

آیا مسیح، خویشتن را بهر ما فدا کرده است؟ پس بیایید دل‌هایمان را با این مطلب مواجه سازیم تا تحت تاثیر آن منظری باشیم که ایمان می‌تواند به ما بدهد. آیا از سخت‌دلی خود گله‌داری و می‌خواهی به مسیح عشق بورزی؟ بنگر که او چطور به جهت تو به خدا تقدیم شده؛ چنین منظری باید قلب تو را تکان داده و نرم سازد. آیا با ناباوری دست به گریبان هستی؟ نسبت به وعده‌های خدا پراز تردید هستی؟ پس به [صلیب] بنگر و ببین که وعده‌ها بر خون جاری شده بر صلیب، استوار و تصدیق شده‌اند؛ حتی اگر کوه‌ها به لرزه درآیند و آسمان و زمین زایل شود، وعده‌های او پابرجا هستند.<sup>۱</sup>

ای گناهکار! آیا مسیح در انجیل بر تو لبخند نمی‌زند؟ و آیا تو با بی‌وفایی خویش، بر قلب او خنجر نمی‌زنی؟<sup>۲</sup> از یاد مبر آن هنگام که تو گنگ و بی‌زبانی، خون مسیح بهر تو سخن می‌گوید؛ آن هنگام که قادر نیستی از خود دفاع کنی، خون او به قوت، بهر تو شفاعت می‌کند.<sup>۳</sup> اگر خدا برای ابد تو را محکوم کند، رنج‌های ابدی ات نمی‌توانند کفارهٔ فسادی را که در یک اندیشهٔ پوچ وجود دارد بپردازند. امان از عمق پلیدی گناه!<sup>۴</sup>

ای که خوانندهٔ این کلامی! بدان، عملی از روی ایمان در عیسای مسیح، خدا را بیشتر از توبه و تلاش برای انجام

1. Fountain of Life, I:164.      2. Fountain of Life, I:172-3.

3. Fountain of Life, I:173-4.      4. Fountain of Life, I:184-5.

شریعت در طول عمرت خشنود می‌سازد.<sup>۱</sup>  
سعادت عینی در آسمان، خود خداست (مزمور ۷۳: ۲۵).  
بهشت معنایی ندارد مگر آنکه تو آنجا باشی خداوند! جلال  
ما در آسمان، این است که تا ابد با خداوند باشیم (اول  
تسالونیکیان ۴: ۱۷).<sup>۲</sup>

در بهشت، روح از [هر بدی] خالی و از تاریکی و تیرگی  
جهل، تهی می‌شود و در آنجا قادر است جمیع حقایق را در  
خدا، آن دریای بلورین حقیقت، تشخیص دهد. کاستی‌های  
حافظه برای همیشه در ذهنمان متوقف می‌شود و از هر وهم  
و خیالی شفا می‌یابیم. لجاجت و سرکشی اراده برای ابد در ما  
خاموش شده و در تسلیم کامل خدا قرار می‌گیریم. مقدسین  
در جلال [الهی] از هر چیزی که مسبب عذابشان بود رهایی  
می‌یابند. وسوسه نشده و مرتکب گناهی نمی‌شوند، زیرا  
در آنجا ماری نیست که موزیانه سراغشان برود؛ دیگر ناله  
نمی‌کنند و غمگین نخواهند شد، چون خدا هر اشکی را از  
چشمانشان پاک خواهد کرد.<sup>۳</sup>

عجب چشم انداز بی‌نظیر و هیجان‌انگیزی است! به یقین  
همه چیز ماورای هر تعریف و شناختی است که در اینجا  
داشتیم! قطعاً حتی نیمی از آن به ما گفته نشده است.<sup>۴</sup>  
(دیدار خدا در آسمان) دیداری کاملارضایت بخش خواهد

1. Fountain of Life, I:187.

2. Fountain of Life, I:193.

3. Fountain of Life, I:194.

4. Fountain of Life, I:194.

بود؛ خدا در همه و با همه خواهد بود. آن جان متبارک، از هر جهت حس رضامندی و برکت خواهد کرد. عجب سعادتی آنجاست! بنگر و دوست مدار؛ بنوش و بخوان و سیر بشو از سرچشمه آن کبریایی عظیم! هر بار که چشم بر بازتابی از آنچه که سابقا بوده بنگرد؛ اینکه چطور بر اساس آن ساخته شده و به جهت جلال او آماده گشته، با چه فیض بی نظیری از آنانی که در آتش می سوزند، جدا شده؛ از خوشی بر بالین آرامش ابدی خود فریاد خواهد کشید. تمام اینها سبب فزونی یافتن جلال می شوند.<sup>۱</sup>

کتاب مقدس راهی برای [رسیدن] به جلال نمی شناسد مگر اینکه مسیح را بر تن کرده و با ایمان عمل کنیم. کتاب مقدس تایید می کند که بودن یا انجام هر چیزی که از نظر انجیل واقعا خوب باشد، بدون وابستگی به مسیح غیرممکن است (ر.ک یوحنا ۱۵:۵).<sup>۲</sup>

نجات ابدی، حق همه آنانی است که مسیح بر ایشان حکمرانی می کند. شاهزاده و منجی یکی شده اند. آن کس که می گوید: «با مشورت خویش هدایت می کنی...» در ادامه می گوید: «و پس از آن به جلال می رسانی» (مزمور ۷۳:۲۴). به راستی که پادشاهی فیض، فرزندان خود را برای پادشاهی جلال پرورش می دهد و همان طور که گفته ایم پادشاهی

---

1. Fountain of Life, I:195.      2. Fountain of Life, I:197.

آسمان از همین جا آغاز گشته است.<sup>۱</sup>

می بینی که وضعیت در واقع، چقدر غمبار و فلاکت بار و اسفناک است؟ آیا می بینی که راه علاج در مسیح و خون پربهای او نهفته است؟ آیا می بینی که راه حقیقی به دست آوردن سهمی از آن خون، تنها با ایمان میسر است؟ آیا این معرفت سبب می شود که فهم خود را به کار گرفته و از صمیم دل برای اوضاع اسفبارتان به خاطر گناه فریاد سر بدهید و تشنه و مشتاق مسیح و عدالت او باشید و خواهان قلبی باشید که ایمان دارد و به مسیح نزدیک می شود؟ چنین چیزی نشان می دهد که شما به راستی از قلمرو تاریکی به پادشاهی مسیح آمده اید.<sup>۲</sup>

صالح ترین اشخاص هم نمی توانند از گناه دوری جویند؛ حتی در مقدس ترین اعمالشان.<sup>۳</sup>

هیچ کس مانند مسیح نمی تواند عاشق باشد و عشق بورزد؛ مهر او به انسان، بی همتاست.<sup>۴</sup>

کسی که گنجی گرانبها دارد، از ماجراجویی با کشتی سوراخ حذر می کند؛ وای به حال انسانی مقدس، اگر بخواهد ایمنی جان خویش را در انجام بهترین اعمالش بیابد! اما اطاعت و پارسایی مسیح محکم و استوار است؛ کشتی که با خیالی

1. Fountain of Life, I:207.

2. Fountain of Life, I:209-10.

3. Fountain of Life, I:217.

4. Fountain of Life, I:232.

آسوده می‌توانیم با آن به ماجراجویی پردازیم.<sup>۱</sup>  
 از مصائب مسیح بیاموزید، با خونسردی و آرامش از  
 مشکلات عبور کنید؛ همان‌طور که مسیح، طلایه‌دار شما  
 انجام داد. پس آن زمانی که از سختی‌ها می‌گذرید چشم به  
 عیسی بدوزید و به او بنگرید.<sup>۲</sup>

هنگامی که آن عشق برتر، با شکوه خود بر روح آشکار  
 می‌شود؛ چگونه [جان] به وجد آمده و شیفته‌اش می‌شود!  
 آن فریاد می‌کشد که این چه عشقی است؟ این عشق  
 آن چنان عظیم است که می‌تواند بهشت را در خود پیچد  
 و آن را پر سازد! چه کسی تا به حال دوست داشته است  
 که به این شیوه جان خود را برای دشمنانش فدا کند! آه، ای  
 عشق وصف‌ناشدنی و درک‌ناپذیر! تو در جامه خونینت  
 زیبا و پرشکوهی! تمام این طریق‌ها، مسیح را به ما یادآوری  
 کرده و مددمان می‌کند تا قوت قلب یافته و دلگرم از جا  
 برخیزیم. امروز مسیح خویش را با ایمان، محکم در آغوش  
 بگیر.<sup>۳</sup>

در باغ جتسیمانی، مسیح برای ما نمونه‌ای عالی به جا  
 گذاشت تا بدانیم هنگامی که خطر قریب‌الوقوع است و بر در  
 منزل رسیده، چه کنیم. سرباز، شایسته است که در جنگ  
 بمیرد؛ واعظ، سزاوار است که در موعظه بمیرد؛ و مسیحی،

1. Fountain of Life, I:241-2. 2. Fountain of Life, I:246.

3. Fountain of Life, I:264-6.

شایسته است که در دعا بمیرد.<sup>۱</sup>

اگر دعا وجود نداشت، من نمی دانستم [در زندگی] چه باید کنم و چطور مصائبی را که در دنیا رخ می دهند، پشت سر بگذارم.<sup>۲</sup>

در بهشت، ما با افراد بسیاری ملاقات خواهیم کرد که گمان نمی کردیم در بهشت با ایشان رودررو شویم و دلتنگ آنانی خواهیم شد که مطمئن بودیم در بهشت با ایشان دیدار خواهیم کرد.<sup>۳</sup>

بترسید از کارهایی که دیگران قادرند انجام دهند. لیکن از خود بیشتر بترسید.<sup>۴</sup>

مسلماً دلیل عادل شمردگی ما، محکوم شدن عیسی مسیح است. اگر علیه او حکمی صادر نمی شد، باید علیه ما این حکم صادر می گردید. عجب اوضاعی! ظفر یافتیم چون او رنج کشید، عادل شدیم چون او محکوم گشت، آسایش یافتیم چون او درد کشید، شفا یافتیم چون او مضروب گشت، شیرین کام شده ایم چون او سرکه و زردآب چشید، تاج جلال داریم چون او تاج خار بر سر گذاشت، حیات داریم چون او جان داد؛ او گرفتار شد تا تو آزاد باشی. پیلائس علیه او حکم داد تا خدای بزرگ، هرگز تو را محکوم نکند.<sup>۵</sup>

1. Fountain of Life, I:273.

2. Fountain of Life, I:280.

3. Fountain of Life, I:295.

4. Fountain of Life, I:295.

5. Fountain of Life, I:307.

چون پیلاتس دست خود را در آب شست، آیا از خون او رهایی یافت؟ هرگز! او هرگز نمی‌تواند رهایی یافته باشد، مگر اینکه جان خود را در خونی که ریخته بود، شسته باشد.<sup>۱</sup>

از میان نشانه‌های دروغین فیض، هیچ کدام خطرناک‌تر از آنانی نمی‌باشند که واقعی به نظر می‌رسند. اگر قلب خود را در این مورد تفتیش کنید، متوجه می‌شوید که هر حکایت رقت‌بار و تکان‌دهنده‌ای چه تاثیری بر شما می‌گذارد.<sup>۲</sup>

می‌بینی ایمان بدون صلیب چه زود یخ می‌بندد؟ پس صلیبیت را با شادی حمل نما.<sup>۳</sup>

قلب نفسانی گمان می‌برد جلالش در انتقام گرفتن است، اما قلب بخشاینده جلال خویش را در بخشش می‌بیند.<sup>۴</sup>

اگر دلی که اکنون داری را نداشتی، حاضر بودی چه بهایی پردازی تا آن را به دست آوری؟ حتی اگر برای این دل نرخ و بهایی تعیین کنی، خدا بر روی آن قیمتی نمی‌گذارد. او از چنین دلی بیشتر از تقدیم قربانی خشنود می‌شود. ناله و قطره اشکی که از سر ایمان و بر اساس روح فرزندخواندگی باشد، برای او از هر رمه و گله‌ای برای قربانی، ارزشمندتر است. گویی که خدا می‌فرماید: «تمام معابد و سازه‌های باشکوه را برابر این دل شکسته، هیچ است و قادر نیست مرا خشنود سازد.» پس خدا را به خاطر کاری که برایت انجام داده است،

1. Fountain of Life, I:304.

2. Fountain of Life, I:314.

3. Fountain of Life, I:331.

4. Fountain of Life, I:379.

متبارک بخوان؛ کاری که تنها برای معدود افرادی چون تو انجام داده، نه هر کسی<sup>۱</sup>.

فخر بت پرست در این است که از هوی و هوس های انسانی بگریزد و به تدریج آن را بپوشاند و رویش سرپوش بگذارد. اما فخر مسیحیت در این است که هوی و هوس های انسانی را مخفی نمی کند و بر آن سرپوش نمی گذارد، بلکه به راستی این شهوات را از بین می برد.<sup>۲</sup>

آیا پس از این زندگی، محلی ابدی وجود دارد که روح بدان جا داخل شود؟ پس چقدر زمان حال ارزشمند است، چون بر وضعیت ابدی تاثیر می گذارد. خداوند ا عجب بارگرانی بر ریسمانی نازک گذارده ای! خدا ما را در اینجا در وضعیتی آزمایش گونه قرار داده؛ ساعتی را در اینجا به نیکویی سپری کنیم، بر ابدیت ما تاثیر می گذارد. هر لحظه و هر روز شما در زمان حال، بر وضعیت ابدی تان تاثیر می گذارد. اتلافی که در زمان خود می کنیم، نشان می دهد فهم اندکی از عظمت ابدیت داریم.<sup>۳</sup>

هیچ مردی آن قدر احمق نیست که حاضر باشد ده هزار پوند را به خاطر یک پنی از دست بدهد! پس به یقین چه تفاوت عظیمی است بین زمان و ابدیت.<sup>۴</sup> اگر هنگام مرگ آماده نباشیم، برای هیچ چیز آماده نیستیم.<sup>۵</sup>

1. Fountain of Life, I:319-20. 2. Fountain of Life, I:379-80.

3. Fountain of Life, I:397. 4. Fountain of Life, I:397.

5. Fountain of Life, I:400.

زبان از سود این معامله قاصر است؛ تو به عوض برنج، طلا گرفته‌ای؛ به عوض آب، شراب؛ به عوض سایه، جسم؛ به عوض پوچی، جلال. اگر پرده این جهان فانی، لحظه‌ای از مقابل چشمانت کنار می‌رفت تا شوکت الهی را ببینی؛ چقدر از این زندگی دلزده می‌شدی؟ چقدر مشتاق مردن می‌بودی؟ پس هوشیار باش تا آوازه‌ات به خوبی به آسمان برسد.<sup>۱</sup> از این مطمئن نباش که حتماً به اندازه پدرت عمر می‌کنی! در حیات کلیسا، گورهاییی وجود دارند که اندازه قامت تو هستند!<sup>۲</sup>

آن جدایی که مسیح تجربه کرد، مانع از این می‌شود که شما طردشدگی را تجربه کنید؛ چون او برای دمی واگذاشته شد، تو دیگر هرگز واگذاشته نخواهی شد. چون او بهر تو طردشدگی را لمس نمود و خدا او را رها نمود. با این وجود رها شدن او برای ساعتی، برابر با رها شدن تو برای ابد است.<sup>۳</sup> جان خود را برای خبط و خطایی که مرتکب شده‌ای در برابر خدا فروتن نما؛ به او بگو بابت اینکه محزونش ساخته‌ای پشیمانی و این امر، هشدار برای توست تا دیگر مرتکب چنین حماقتی نشوی؛ او را دوباره به جان خود دعوت کن و برای او زاری نما تا زمانی که او را بیابی؛ چون اگر او را بجویی، خواهی یافت (ر.ک دوم تواریخ ۲:۱۵). در این هنگام است که

1. Fountain of Life, I:402.

2. Fountain of Life, I:405.

3. Fountain of Life, I:415.

هزاران تسلی بر جان غم‌زده‌ تو روان می‌شود و آن جراحی که بر رابطه‌ تو با مسیح وارد شده، درمان می‌شود. هر چیز دیگری را خوار بشمار و بگو: «تا آمدن مسیح، تنها و بیوه می‌مانم؛ جز او، هیچ کسی محبوب من نخواهد بود.»<sup>۱</sup>

هنگامی که مسیح گِله کرد که تشنه است، فقط چند ساعتی با غضب خدا درگیر بود؛ با این اوصاف چه بر سر آنانی می‌آمد که قرار بود تا ابد با [غضب خدا] دست و پنجه نرم کنند؟ در حالی که میلیون‌ها سال سپری شده و میلیون‌ها سال دیگر در راه است!<sup>۲</sup>

پدر آسمانی، فریادهای پسر مصلوب را شنید. آن صدا که می‌گفت: «تشنه‌ام» آسمان را درنوردید و به گوش پدر رسید. ولی نه عذاب او را کم کرد و نه از کفاره‌ای که می‌پرداخت چیزی کاست؛ و همه اینها به خاطر محبتی است که به گناهکاران مسکین و درمانده داشت.<sup>۳</sup>

هرچه که شریعت فرموده، انجام شده و هرچه که یک گناهکار بدان محتاج است؛ مهیا و بازپرداخت شده است. نمی‌توان به آنچه که مسیح انجام داد، چیزی افزود. خود او فرمود: «تمام شد.»<sup>۴</sup>

آیا مسیح کارش را، خودش به کمال نرساند؟ چقدر مضحک و شرم‌آور است که عدالت مسیح را به اعمال خود

1. Fountain of Life, I:418.

2. Fountain of Life, I:426-7.

3. Fountain of Life, I:430.

4. Fountain of Life, I:435.

گره بزیم تا در پیشگاه خدا، عادل شمرده شویم. عیسیای مسیح هرگز چنین امری را بر نمی‌تابد. چقدر باید نانجیب باشیم که بگوییم: «من و خدا یا من و مسیح، چنین و چنان کرده‌ایم!» او یا عدالت مطلق توست یا نیست! اگر او کار را به کمال رسانده دیگر چه نیازی به افزودن توست! اگر به کمال نرسانده، پس مقصود چیست؟ چطور ممکن است ما کاری را تمام کنیم که خود مسیح نتوانسته آن را تمام کند؟ پس چرا می‌خواهیم خود را شریک فخر و جلال او کنیم، در حالی که او از این امر ناخشنود خواهد شد. مگر او به تنهایی کار را به اتمام نرسانده است؟ آیا جلالش را با ما تقسیم خواهد کرد؟ هرگز! مسیح، منجی نصفه و نیمه نیست! عجب کار دشواری است که دل‌های متکبر خود را به عدالت مسیح بسپاریم.

ما می‌خواهیم پول خرد خود را روی بهای مسیح بگذاریم تا آن بها را جبران سازیم! بنابراین باید بدانید اگر چنین می‌کنید یا با مسیح کاری نداشته باشید یا خود و پول خردتان با هم تباہ می‌شوید. خدا، همان‌طور که به قوم اسرائیل در بیابان، مَثارا عطا کرد؛ عدالت مسیح را نیز به ما بخشود. این مَثارا محقرانه نبود چون خوراک فرشتگان آسمانی بود، لکن دریافت آن نیاز به فروتنی داشت؛ قوم بایستی هر روزه با ایمان برای دریافت این نان زندگی می‌کردند. این خوراک از دست رنج خودشان نبود. به یقین خدا بهترین طریق را برای

فروتن کردن ذات مغرور در پیش می‌گیرد؛ او گناهکاران را دعوت می‌کند که از عدالت خود دست برداشته و به سوی عدالت مسیح بروند.<sup>۱</sup>

هنگامی که مسیح کار خود را شروع می‌کرد، آن را با جدیت دنبال می‌نمود. او چنان زود از خواب برمی‌خاست و سخت کار می‌کرد که «از یاد برده بود نانی بخورد» (یوحنا ۴: ۳۱-۳۲). چنان برای کار پدر غیرت داشت که رفقاییش گمان می‌کردند: «از خود بی خود شده است» (مرقس ۳: ۲۱). او چنان بود که «غیرت برای خانه خدا، او را می‌سوزاند.» مثل یک سرافین در آتش غیرت برای کار خدا شعله می‌کشید. پس تو نیز تنبل و بی تفاوت مباش!<sup>۲</sup>

در پی خدا بود و با اشتیاق بسیار به پاداش آسمانی چشم دوخته بود. هنگامی که روحی بخشنده به خدای خویش نزدیک می‌شود (چیزی که در ساعت مرگ میسر می‌شود) خود را در آغوش خدا می‌اندازد؛ به سان رودخانه‌ای که پس از جوش و خروش بسیار و گذر از پیچ و خم‌های زیاد به دریا می‌رسد. او خویشتن را به آغوش دریا می‌رساند و به خستگی خود پایان می‌دهد. در این دنیا، چیزی جز خدا نمی‌تواند [جان آدمی را] راضی کند و پس از گذر از این جهان نیز تنها خدا قادر است که خشنودی به ارمغان بیاورد. فراغت جان

1. Fountain of Life, I:437.

2. Fountain of Life, I:439-40.

و روح، یک مکان نیست که پس از مرگ به آنجا بتوان رفت، بلکه فراغت جان و روح، آغوش خدای متعال است که در آسمان ساکن است؛ او همان آرامشی است که آدمی در پی آن است. آرامش در خانه پدر نیست، بلکه در آغوش پدر است.<sup>۱</sup>

شوهر، همسر و فرزند، روزی به خاطر مرگ از کنار تو می‌روند. لیکن از یاد مبر که به چه آغوشی می‌روند؛ آغوشی که شایسته ستایش است.<sup>۲</sup>

در مورد او که اینک در گور گذاشته‌اند، چه باید گفت؟ افسوس که حتی زبان فرشتگان نیز در وصف او قاصر می‌آیند. او خورشید عدالت، سرچشمه زندگی و بستر عشق است. پیش از او هیچ کس مانندش نبود و پس از او نیز کسی مانندش نخواهد بود.<sup>۳</sup>

خداوندگار! خداوندگار هیبت و اعجاب! عالمی از فرشتگان آسمانی و مردان برگزیده را تصور کنید و تعدادشان را ده هزار برابر برابر؛ دل و زبانشان را نیز ده‌ها هزار برابر برابر؛ دل و زبان سرافین کنید که با شش بال در پیشگاه خدا هستند؛ آن هنگام که ایشان بهر جلال و کبریایی عیسی مسیح بسرایند، باز هم کم گفته یا هیچ نگفته‌اند. ای کاش می‌توانستم هر روزه تا به انتها زبانم را به تمجید از آن حضرت

1. Fountain of Life, I:445.

2. Fountain of Life, I:453.

3. Fountain of Life, I:460.

اعلی باز کنم! لیکن اندوهم از این است که از محبت بی‌همتای او حیران و سرگشته‌ام.<sup>۱</sup>

چه کسی تا به حال قادر بوده عظمت مسیح را دریابد؟ چه کسی تاکنون توانسته بلندا و پهنا و ژرفای جلال او را درک کند؟ ای کاش چنین بهشتی بود که فقط از دور بایستم، ببینم، دوست بدارم و مشتاق او باشم، تا زمانی که رشته‌ی زمان گسسته شود و این کار بزرگ آفرینش از هم بپاشد! ای کاش می‌توانستم در میان فرشتگان و سرافین و مقدسین جلال‌یافته، جای داشته و سرود تازه‌ای از محبت به مسیح برای تمام دنیا سر دهم. من از کشف شگفتی گنجینه‌های تازه در مسیح در عجب و حیرت فرو می‌روم. اگر هر انگشت، عضو، استخوان و مفصل، مشعلی بود که در سوزان‌ترین آتش جهنم می‌سوخت؛ آرزو می‌کردم همگی سرودهای عاشقانه و سرودهای ستایش ابدی را برای آن نهال نام‌آور، آن شاهزاده‌ی والا و بلندمرتبه، عیسی، سرورم فریاد می‌زدند. اما افسوس! محبت او در من رو به فزونی است و روزنه‌ای برای برون‌ریزی نمی‌یابد. من درکی از ستودن او ندارم. نه کرامت مسیح را می‌دانم و نه چیستی‌اش را درمی‌یابم! فرشتگان و مقدسین ساکن در آسمان نیز ستایش‌هایشان ناکامل است. چه کسی می‌تواند نزد او رفعت یابد یا به کمال، او را ستایش کند؟ اگر قادر بودم او را [به‌راستی] ستایش کنم، از عشق به او جان

---

1. Fountain of Life, I: 460-1.

می‌دادم. خداوند! ای کاش قادر بودم بهر محبوب و سرورم، خداوند عیسیای مسیح، بسرایم و او را به کمال ستایش کنم تا این ستایش‌ها، در برابر او و فرشتگان و مردمان چون نوری، روشن شود! اما حتی وقتی در وصف او آن قدر سخن گفته‌ام که گویی سرم در حال از هم پاشیدن است، درمی‌یابم که هنوز چیزی به زبان نیاورده‌ام.<sup>۱</sup>

هرگاه که زمان مرگت فرارسد و در گور قرار بگیری، مرگ را چون دشمن نخواهی یافت، چون مسیح خصومت مرگ را شکست داده، بلکه او را چون رفیقی خواهی یافت که مکانی نیکو برایت مهیا کرده؛ برای تو که در مسیح هستی، مرگ مانند یک تخت خواب گرم و نرم است که برای شخصی خسته‌تن، خوابی خوش را رقم می‌زند. در آنجا آرامش شیرین را در مسیح، خواهی یافت. دیگر مضطرب و دل‌نگران و مُشوش نخواهی بود.<sup>۲</sup>

اگر در مسیح هستی، این را محض آرامش خاطرت بدان؛ عیسیای خداوند کلیدهای اتاق مرگ را در دست دارد؛ او این در را قفل ننگه می‌دارد تا زمانی که بدن داخل شویدی و پس از بیدار شدن دوباره، در را باز می‌کند تا از آن خارج شویدی. باید این مطلب را به خاطر داشته باشید، چه در هنگام خواب و چه در هنگام بیداری در کنارت می‌ماند

1. Fountain of Life, I:460.

2. Fountain of Life, I:466.

و چشم بر تو دارد. پس وقتی انتظار آرامش در مرگ را داری، با مسیح متحد بمان. گور با مسیح، محل فراغت است.<sup>۱</sup> اگر مسیح زنده است، پس ایمانداران طعم مرگ را نخواهند چشید. «چون من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست» (یوحنا ۱۴:۱۹).<sup>۲</sup>

مسیح تنها تطهیرگاه و خون او تنها منبع برای شست‌وشوی گناهان است. با این حال، در پرتو قدرت و تاثیر آن خون، رنج‌ها و مصیبت‌های تقدیس شده نیز خود به عنوان عوامل پاک‌کننده و پالاینده محسوب می‌شوند.<sup>۳</sup>

این رستگاری، نجاتی عظیم است. حتی دستان فرشتگان هم برای نوشتن عظمت شگفتی‌هایی که در این نجات وجود دارد، خسته می‌شوند. [تعمق کردن] بر این امر که خدا چنین نقشه‌ای را تدبیر کرده و این نقشه، برآمده از قلب فیاض اوست، مسئله را پیچیده می‌کند. زمانی بس طولانی لازم است تا راجع به این شگفتی تفحص کرد و آن را ستود.<sup>۴</sup> اگر مسیح جان داد تا خدا و انسان آشتی کنند، پس باید اذعان کرد گناه چقدر وحشتناک است! و چه هولناک است آن شکافی که بین خدا و مخلوقش ایجاد کرده بود، چنان هولناک که چیزی جز مرگ پسر خدا، نمی‌توانست آن را جبران کند.<sup>۵</sup>

1. Fountain of Life, I:466.

2. Fountain of Life, I:485.

3. Fountain of Life, I:555.

4. Fountain of Life, I:471.

5. Fountain of Life, I:477.

ابتدا رابطه خود را با مسیح کند و کاو کنید؛ آیا عروس او هستید؟ آیا حاضر هستید از همه چیز به خاطر او دست بشوید؟ آیا حاضر هستید سهم خود را ادا کنید؛ در سختی و در آسایش با او بمانید؟<sup>۱</sup>

بهر محبت مسیح بسرایید. محبت او را تمجید کنید! وه که محبت او چه آتشین و عمیق بود! او کسی است که چنین میراثی برای شما به جای گذاشته است! این رحمت‌هایی است که محبت او از ازل، برایش مشقت‌های زیادی کشیده بود و اکنون او رنج روح خود را می‌بیند و شما، اندکی از این رنج را می‌بینید. بگذارید که جمیع مقدسین در برابر این، سر خم کرده و با فروتنی اقرار کنند که چه دینی به این محبت دارند و هرچه که دارند، از سر مرحمت اوست.<sup>۲</sup>

پس اگر خدا در دل شما اشتیاقی عظیم و تلاشی مستمر برای رهایی از گناه و انطباق کامل با خداوند در زیبایی‌های قدوسیت برانگیخته باشد؛ این میل به قداست و رغبت به کمال به تو می‌گوید که بهر چه چیزی آفریده شده‌ای و باید چه کسی باشی.<sup>۳</sup>

دشمنان مسیح، نام خداوند و مقدسین را بی حرمت می‌سازند. لیکن [روزی فرا می‌رسد] که مسیح ایشان را زیر پای خود لگدمال می‌سازد. این امر قطعی است؛ اگرچه

1. Fountain of Life, I:482.

2. Fountain of Life, I:483.

3. Fountain of Life, I:500.

هنوز به کمال انجام نشده است. زیرا در حال حاضر همه چیز را زیر پای او نمی بینیم (همان طور که رسول می گوید) اما می دانیم که عیسی تاج جلال بر سر گذاشته و در کبریایی و شوکت است؛ همین هم کافی است. همین امر کافی است تا نشان دهد که قدرت دشمنانش در هم شکسته شده است. اگرچه به خصومت خود ادامه می دهند لیکن این کار عاقبتی ندارد، چون او بی نهایت عظیم تر از آنهاست و آنها باید در برابر خداوند سر خم کنند.<sup>۱</sup>

تصور کنید که عیسای مسیح بر تخت سلطنت خود نشسته، در حالی که فوج فرشتگان دور تا دور او هستند. یک بی ایمان بیچاره هم در برابر اوست و خداوند، سراسر زندگی و قلب او را از نظر می گذراند. ناگاه حکمی خوفناک اعلام و صدای شیون بلند می شود. آن شخص به دست جلاد سپرده می شود تا در عذاب ابدی بماند؛ بدون هیچ امیدی و بدون هیچ رحمتی.<sup>۲</sup>

او تمامی آنان را داوری خواهد کرد؛ از رئیس و شوهر و رفیق و برادر گرفته تا هر کسی که ایشان را دوست داشته و خود را بهر آنان فدا کرده است. از این رو کدام یک از ایشان می تواند با اطمینان به تخت او نزدیک شود و همصدا با ایوب بگوید: «چون مرا بیازماید، مانند طلا بیرون خواهم آمد»، این چنین

---

1. Fountain of Life, I:518-9. 2. Fountain of Life, I:529.

است که ما می‌دانیم عادل شمرده خواهیم شد.<sup>۱</sup>  
 پس ای خواننده! قوای تفکر و خودآگاهی خود را فرا بخوان.  
 هر چیز دیگری را از یاد ببر و خود را غرق تعمق بر ابدیت نما.  
 مبادا که گذر زمان عاقبت مرگ، داوری و ابدیت را از خاطرت  
 پاک کند.<sup>۲</sup>

بگذار که کلمهٔ ابدیت، شبانه‌روز همراهت باشد و خوف  
 آن بر روح قرار گیرد. فرمان خدا این است که خواسته‌های  
 ناپاکت کشته شوند و فقر تو، به سان سمی برای تکبرت باشد.<sup>۳</sup>  
 آن زمان که میلی به خدمت نداری و دلت خشک و بایر  
 گشته؛ او (خدا) آماده است که قلب تو را پُر بار سازد و آن را  
 زنده و احیاء نماید؛ به نحوی که اغلب اوقات شروع و پایان  
 نیایش یا تعمق و تمکین‌های شما بسیار متفاوت است،  
 گویی شخصی کار را آغاز کرده و دیگری آن را به اتمام رسانده  
 است. عجب امدادهایی برای زندگی مقدس در اختیار  
 داری. دیگران هم به سان تو درگیر مقاومت کردن در برابر  
 وسوسه‌ها هستند، اما افسوس! آنانی که یآوری خاصی از  
 جانب روح ندارند، چه باید کنند؟ شاید اندک زمانی با قوهٔ  
 استدلال و قدرت خود در برابر وسوسه ایستادگی کنند، ولی  
 شیطان چقدر ساده بر آنها پیروز می‌شود، به طوری که توانی  
 برای مخالفت با او نمی‌ماند. دیگران نیز مانند تو مجبورند

1. Fountain of Life, I:532.

2. Fountain of Life, I:535.

3. Fountain of Life, I:555.

که نیایش نموده، تعمق و تمکین نمایند؛ ولی اهمال کاری که می‌کنند تقصیر خودشان نیست. لیکن چقدر اعمالشان رقت‌انگیز است! ایشان به حال خود رها شده‌اند تا در تیرگی و سخت‌دلی خود به سر ببرند؛ آن هنگام که نسیم [روح خدا] بر شما می‌وزد و کشتی شما را حرکت می‌دهد. اما آنان گرفتار باد نیستند، بلکه در بند قلب هستند و نمی‌توانند در مسیر وظیفه هیچ کار معنوی انجام دهند.<sup>۱</sup>

ای جوانان شجاع، که امید و آرزوی کلیسای در حال احیا هستید، با اشتیاق از این فرصت ارزشمند برای غنی‌سازی ذهن خود با تمامی استعدادها و موهبت‌های ضروری بهره‌برید. شب و روز خود را به مطالعه و دعا‌های پرشور اختصاص دهید؛ بهترین شبان کسی است که همواره در حال مطالعه بر روی زانوانش می‌باشد.<sup>۲</sup>

اجازه دهید استعدادهایتان رشد کنند، اما بگذارید فیض الهی بر همه آنها برتری یابد و از آنها پیشی گیرد.<sup>۳</sup> انجیل از شما چیزی نمی‌طلبد، جز توبه و ایمان. آیا می‌توانید تصور کنید که شاهزاده [آسمانی] یک یاغی را ببخشد، تنها به این خاطر که آن یاغی زانو زده و دست التماس و بخشش به سوی او دراز کرده و شاکر است که بخشایش او را دریافت نموده است؟<sup>۴</sup>

1. Fountain of Life, I:554. 2. England's Duty, IV:15.

3. England's Duty, IV:15. 158 4. England's Duty, IV:28.

چه کلامی غم‌انگیزتر از این می‌باشد که خداوند بگوید: «او را بگیر شیطان!»<sup>۱</sup>

ای گناهکاران! ببینید که انجیل عجب مسیحی را به جان شما تقدیم می‌کند. زیبایی، کمال و تناسب او را مشاهده می‌کنی؟ می‌بینی که چقدر محتاج به او هستی و همه عالم هم نمی‌توانند تو را از او جدا نمایند؛ تو می‌توانی از هر ننگ و رنج و خواری عبور کنی تا از او لذت ببری.<sup>۲</sup>

برای آدمی راحت‌تر است که تکه نانی خشک بخورد و خرقه یا جامه‌ای مندرس به تن کند اما از آن خودش باشد؛ تا اینکه از بهترین طعام برخوردار باشد و مجلل‌ترین لباس‌ها را بر تن کند اما آن را صدقه بگیرد یا از دیگران دریافت کند.<sup>۳</sup>

بسیاری می‌پندارند که توبه و ایمان، برای آخرت کاربرد دارد. لیکن چشمان ایشان هرگز [روی خوش] آخرت را نخواهد دید. به این ترتیب، با چنین پنداری در قلب خود را بر روی مسیح می‌بندند و با وجود حضور منجی، گناهکار هلاک می‌شود. ایشان از تاریکی خود پلی به سوی دریای هلاکت می‌سازند.<sup>۴</sup>

[رحمت الهی] دست تو را دوستانه می‌گیرد و با تو همقدم می‌شود. امان از تو ای گناهکار! چطور می‌توانی به چنین

1. England's Duty, IV:43.

2. England's Duty, IV:44.

3. England's Duty, IV:46.

4. England's Duty, IV:47.

خدایی که عریانی تو را می پوشاند، خوراکت داده و تسلی ات می دهد، بی حرمتی کنی؟<sup>۱</sup>

چرا آن پایی که تو را به هر مجلسی می برد، تو را به محفل مقدسین نبرد؟<sup>۲</sup>

هر موعظه و دعایی که با دلی بی جان به آن گوش داده ای و در آن حضور داشته ای؛ هر الهام روح او که آن را سرکوب کرده ای یا نادیده گرفته ای، چیست جز کم ارزش شمردن مسیح و آن نجات بزرگ؟<sup>۳</sup>

و نیکویی و صبوری خدا چنان است که دست گناهکار را گرفته و آن را به خلوتی می برد و به او می گوید: «بیا تا با هم صحبت کنیم. تو چنین و چنان شریر بوده ای و من نسبت به تو، این چنین صبور و رحیم بوده ام. گرچه قلب تو لبریز از گناه و بدی بوده، لیکن قلب خدای تو لبریز از رحم و شفقت بود.» همین امر است که گناهکار را به گریستن وا داشته و قلب خدا را می شکند. تنها چیزی که سخت دلی را از بین می برد، همین است. آه، خدایا! تو چقدر نسبت به من نیکو بوده ای!<sup>۴</sup>

روح کوچک ترین کودک یا حقیرترین خادمی که امروز صدای مرا می شنود؛ در نظر مسیح از تمام عالم ارزشمندتر است.<sup>۵</sup>

1. England's Duty, IV:49.

2. England's Duty, IV:53.

3. England's Duty, IV:66.

4. England's Duty, IV:69-70.

5. England's Duty, IV:75.

او هزاران مرتبه متحمل انکارهای شما شده؛ بارها در موعظه، در دعا، در بیماری و غیره در قلب تو را کوبیده اما یا پاسخش را نداده‌ای یا او را نادیده گرفته‌ای. با این حال همچنان در خانه‌ات را می‌زند و منتظر توست. تو گدایی که در خانه‌ات را می‌زند، منتظر ننگه نمی‌داری! با این حال منجی تو منتظر مانده و [در خانه‌ات را] ترک نکرده است. او می‌فرماید: «اینک بر در ایستاده و می‌کوبم.»<sup>۱</sup>

آن ضربه‌ای که مسیح بر در قلب می‌کوبد، آخرین ضربه زدن است. بعد از آن دیگر خبری از در کوبیدن نیست.<sup>۲</sup> جمیع رحمت‌های خدا که منجر به نجات می‌شود، از طریق مسیح به انسان عطا شده است.<sup>۳</sup>

مخلص کلام؛ گشودن قلب به روی مسیح، همان کاری است که به نقشهٔ عظیم انجیل پاسخ می‌دهد.<sup>۴</sup>

ای عیسای متبارک! هیچ چیزی جز اشتیاق و محبت تو هرگز نمی‌توانست تو را وادار سازد از شادی خود دست بکشی و به خاطر گناهکاران درمانده، متحمل رنج و عذاب شوی.<sup>۵</sup> هیچ چیز به مانند محبت، نمی‌تواند محبت را به سوی خود مجذوب سازد. آن هنگام که مسیح بر روی صلیب قرار گرفته و بلند شد؛ چنان باشکوه و قدرت، محبت

1. England's Duty, IV:75.

2. England's Duty, IV:79.

3. England's Duty, IV:111.

4. England's Duty, IV:113.

5. England's Duty, IV:114.

خود را به گناهکاران نشان داد که حتی سنگدل‌ترین گناهکار نیز به محبت واداشته می‌شود. اینجا دولت و ظفر و شوکتِ محبت، الهی است. هرگز در این عالم چنین محبتی نمایان نشده و هیچ کس مانند او نبوده و پس از او نیز نخواهد بود.<sup>۱</sup>

فیض بی‌همتا و عظیم این داماد سماوی این‌گونه نمایان می‌شود که عیسای مسیح از کنار میلیون‌ها آفریده شکوهمند و توانا می‌گذرد، بی‌آنکه به آنان پیشنهادی دهد. روی به سوی آنان نمی‌گرداند و در خانه ایشان رانمی‌کوبد. لیکن سراغ تو را می‌گیرد، تویی که حقیرترین و کوچک‌ترین در بین مخلوقات! اما تا فرمایش خود را بهر تو تمام نکند، منزل تو را ترک نمی‌نماید. در میان تمام ناپاکان، می‌توان مردان و زنانی را یافت که فضیلت‌های بیشتری داشته و از ذکاوت و درایت بهتری برخوردار هستند؛ اخلاق مدارتر بوده و شیوایی سخن دارند؛ و اگر خوانده شوند، بیشتر از تو قادرند به مسیح خدمت کنند. با این حال مسیح اینها را پشت سر می‌گذارد و تو را در مقام عروس خود می‌خواهد، تویی که بینوا و حقیر هستی. بله! او از تصمیم خود خوشحال است. این پیروزی فیض بلاعوض است.<sup>۲</sup>

کوری و جهالت گناهکار چقدر عظیم است که برای

---

1. England's Duty, IV:124.      2. England's Duty, IV:127.

سعادت، این چنین محتاج اصرار و تمناست؟ آیا ممکن است که به سرعت در امنیت قرار گیری؟ آیا می توانی به سرعت خشنود شوی؟<sup>۱</sup>

خداوند! من آشکارا در دشواری و تنگنا هستم. چاره ای برای من نیست، جز اینکه روحم تنها در تو آرامش یابد.<sup>۲</sup>  
 خداوند! من آماده ام که هر امید، تکیه گاه و عدلی را رها کنم و تنها بر تو تکیه نمایم. اعمالم مرا عادل نمی کند، اصلاحات مرا نجات نمی دهد و هیچ چیز جز عدالت تو نمی تواند پاسخگوی فرجام من باشد. من که گدایی حقیر هستم، عریان نزد تو می آیم. تنها چاره من این است که به سوی تو آیم؛ اگر تو برایم هلاکت خواهی، پس هلاک می شوم.<sup>۳</sup>  
 مسیح تمام وجود خویش را به شما عطا می کند و از شما هم همین انتظار را دارد. همه چیز را به خاطر او رها کنید، وگرنه سهمی از او نخواهید داشت.<sup>۴</sup>

مسیح فروشی نیست، بلکه هدیه خداست. شما بهر دریافت یک هدیه بلاعوض آمده اید، نه برای معامله کردن.<sup>۵</sup>  
 اگر من از آن خداوند هستم، پس تمام وقت و استعداد و هر چه که دارم از آن اوست.<sup>۶</sup>

این فیض است که مناظر روح افزای جهان نادیدنی را به

1. England's Duty, IV:130, 136. 2. England's Duty, IV:139.

3. England's Duty, IV:140. 4. England's Duty, IV:142.

5. England's Duty, IV:143. 6. England's Duty, IV:147.

شما می‌بخشد؛ بدون این امر، جهان ما سیاه چالی بیش نیست.<sup>۱</sup>

تمام چشمه‌های طراوت ایماندار در مسیح یافت می‌شود. اگر در شهری تنها یک مجرای آب باشد و در هیچ کجا آبی یافت نشود؛ تمام ساکنان شهر به سوی آن مجرا می‌روند. در تمام شهر خدا، فقط یک مجرا و یک چشمه وجود دارد و آن هم مسیح است. هیچ ذره‌ای از عدالت، تقدس، قدرت یا آسایش را در جای دیگری نخواهید یافت.<sup>۲</sup>

بیای جان درمانده و بینوا! نزدیک شو و ناامید مباش؛ دستان سست و لرزان ایمان خود را به سوی آن منجی اعظم و بخشنده دراز کن. در قلب خود را به روی او بگشا، او از آمدن خودداری نخواهد کرد. او هزاران انسان بیچاره مانند تو را بخشیده است؛ او هرگز در رحمت خود را بر جانی مشتاق و تشنه نمی‌بندد. اصل موضوع این است که سختی راه را طی کنی و نزد او بروی. اگر نخستین گناهکار بودی، آری اعتراف می‌کردم که نگرانی‌ات بجاست، لیکن گناهکاران بسیاری پیش از تو نزد او رفتند و همگی، فراتر از تصورشان مورد استقبال او واقع شده‌اند. این بایستی سبب دلگرمی تو شود و بر قلب ترسان و مایوس تو امید بدمد تا به سان آنها، سراغ مسیح بروی.<sup>۳</sup>

1. England's Duty, IV:209.      2. England's Duty, IV:147.

3. England's Duty, IV: 150-1.

فیض خدا، مرحمت و لطفی خارق العاده است. نه نور خورشید و نه ژرفای اقیانوس، نمی‌توانند قابل قیاس با میزان فیض و شفقتی باشند که خدا در وجودش نسبت به شخص گناهکار دلشکسته و تشنه دارد (اشعیا ۵۵: ۶-۷).<sup>۱</sup>

زمانی که هنگام مصیبت و نامساعد بودن شرایط، از ایمان خود دست می‌کشید، نظم ثابت در انجیل را نادیده می‌گیرید؛ متوجه نیستید که به اشتباه، جای نتایج را با پیش‌نیازها و پیش‌نیاز را با نتایج تغییر داده‌اید. مثل اینکه آدمی بگوید: «اگر از مرض خود شفا می‌یافتم، نزد طبیب می‌رفتم!» افسوس که نمی‌دانید اگر از مرض خود می‌توانستید شفا یافته و از فساد خود خلاصی یابید، دیگر نیازی نبود نزد عیسی مسیح بروید! ما برای آمدن نزد مسیح به چیزی جز پشیمانی و اندوهگین بودن از گناهان خود نیاز نداریم؛ همین امر است که ما را از صمیم دل راغب می‌سازد که پذیرای مسیح و شرایط او در انجیل باشیم.<sup>۲</sup>

حال با توجه به ارزش بی‌همتا و مطلق این فیض گرانبها، شبانه‌روز خود را بدان تخصیص بده و آن را اشتیاق و فریاد قلب خود نما و رو به آسمان بگو: «خداوند! دلی بایمان و گشوده نسبت به عیسی مسیح به من عطا فرما.» اگر در این مورد کوتاهی کنید، از هدف و نقشه انجیل قاصر آمده‌اید که

---

1. England's Duty, IV:153.      2. England's Duty, IV:160.

مقصودش، رساندن شما به بهشت به وسیله ایمان است.<sup>۱</sup>  
بدی‌های شما در گذشته و بی‌لیاقتی شما در حال حاضر  
مانعی برای آمدن مسیح نخواهد بود، زیرا او از این امر  
متعجب نمی‌شود!<sup>۲</sup>

اگر باز کردن دروازه روح به سوی مسیح، سبب می‌شود  
شخص به دیار آسمانی وارد شود؛ پس کیست که حاضر نباشد  
مسیح را بپذیرد تا چنین بهشتی را بر زمین تجربه نکند؟<sup>۳</sup>  
خشنودی مسیح در این است که به مطرودین تسلی  
بخشد.<sup>۴</sup>

راه آسمان، از طریق‌های تنگ و دشوار می‌گذرد؛ پس  
مصائب ما با آمدن مسیح خاتمه نمی‌یابند، بلکه مصیبت  
اصلی از همین جا آغاز می‌شود (عبرانیان ۱۰:۳۲).<sup>۵</sup>  
شیطان به آنانی که روح خود را به سوی مسیح گشوده‌اند،  
می‌گوید که روح کالوینیزم، مالیخولیایی است. با این  
حال تجربیات آنان این گفته را رد می‌کند، زیرا اکنون طعم  
دلچسب پیروی از مسیح را در ایمان و اطاعت می‌چشند؛  
چیزی که با گناه هرگز تجربه نکرده بودند. در نتیجه دروغ  
مضحک شیطان به واسطه تجربه ایشان باطل می‌شود،  
زیرا تازه دریافته‌اند که پیش از این هرگز شادمان نبوده‌اند

1. England's Duty, IV:210.

2. England's Duty, IV:213.

3. England's Duty, IV:223.

4. England's Duty, IV:224.

5. England's Duty, IV:224.

(لوقا ۱۵: ۲۴). تمام شادی ما از نزدیک شدن به مسیح آغاز می‌شود و به این ترتیب، ایشان شادی کردن را آغاز نمودند.<sup>۱</sup> آیا پادشاه آسمانی آمده و با تو همسفره می‌شود؟ آیا او جان تو را با بخشایش و آرامش و شادی در روح القدس خوراک می‌دهد؛ که مهر تاییدی بر جلال آینده است؟ پس بدان که تو نسبت به همسایگان زمینی خود در ارزش و نجابتی بالاتر به سر می‌بری.<sup>۲</sup> مذهب، ما را از لذت‌های گناه‌آلود جدا می‌سازد. لیکن ما را البریز از خوشی‌های روحانی می‌کند. آیا به دست آوردن هر چیز و هر خواسته‌ای، سبب خشنودی است؟ بودن در مسیح، این‌گونه است. آیا زیستن بر مرز بهشت و محصور شدن در برکت، مایه خشنودی است؟ پس زیستن در مسیح، سعادت است. آیا سبب خشنودی نیست که تسلی‌دهنده که روح جمیع تسلی‌هاست، در قلب تو ساکن شده و با شادی، تو را دل‌داری می‌دهد و با اموری ناشناخته در این دنیا، موجب خشنودی‌ات می‌شود؟ مسیح و آسایش، دست در دست همدیگر می‌آیند.<sup>۳</sup>

ایماندار هر چقدر هم که در این دنیا با خوشی و آسودگی زندگی کند، هنگامی که وارد بهشت شود، شگفت‌زده خواهد شد.<sup>۴</sup>

بابت لذت کم‌ارزش و خوشی‌های پوچی که از گناه ناشی

1. England's Duty, IV:225. 2. England's Duty, IV:225.

3. England's Duty, IV:226-7. 4. England's Duty, IV:228.

می شود، چرا جان خود را از آرامش ابدی که عیسای مسیح می بخشد، محروم می سازی؟ اگرچه دیگر از گناه لذت نخواهی برد؛ در عوض از صلح با خدا، خوشی در روح القدس و آسایش ماندگار برخوردار خواهی گشت.<sup>۱</sup>

گاهی کوچک می تواند آسایشی بزرگ را بر باد دهد.<sup>۲</sup> اشخاص زیادی ادعای ارتباط با مسیح را دارند، اما این امر سِرّی عظیم برای افراد بسیاری است. این موضوع واقعی، قطعی و ملموس است؛ اگر در سراسر هستی حقیقتی وجود داشته باشد، بی تردید در این موضوع نیز هست؛ و آن حقیقت این است که ارتباطی واقعی میان جهان محسوس (جهان قابل دیدن) و جهان غیب (جهان نادیدنی) وجود دارد؛ نیز ارتباطی میان مسیح و جان های ایمانداران، که ما در اینجا آن را «مشارکت» می نامیم. به راستی چنین است که ما جهان را فریب نمی دهیم و بیشتر از آن چیزی که احساس کرده ایم و می دانیم به زبان نمی آوریم. چقدر این همراهی، شیرین و دلنشین است. هر خوشی و شادی در همقدم شدن با خدا یافت می شود.<sup>۳</sup>

داشتن ارتباط با خدا مستلزم عادت های ناشی از فیض است؛ این امر از طریق تقدس در روح میسر می شود. اگر دل، تبدیل نشود و صداقت و راستی در آن نباشد، هیچ

1. England's Duty, IV:231.

2. England's Duty, IV:234.

3. England's Duty, IV:236.

مصاحبت و مشارکتی رخ نمی دهد.<sup>۱</sup>  
 عبادت و وظیفه‌ای است که برای ملاقات جان آدمی با خدا  
 و ارتباط با او تعیین شده است.<sup>۲</sup>  
 من تعالی و برتری این مصاحبت با خدا را به تو نشان  
 می دهم؛ این طریق زندگی ماست؛ شادی قلب ما، بهشتی  
 بر روی زمین.<sup>۳</sup>  
 حقیقت داشتن مصاحبت با خدا به واسطهٔ تاثیرات  
 معقول آن بر مقدسانی که از آن لذت می برند، برای دیگران  
 آشکار می شود. چه دلپذیر است ای مسیحی! آن هنگام  
 که خوشی آسمانی و روحانی بودند در گفت و گو با دیگران،  
 آشکار می سازد که همراه با عیسی بوده‌ای.<sup>۴</sup>  
 خدا، اتاقی از محبت را برای جان تو فراهم کرده؛ جایی که  
 روح تو می تواند روزانه غرق خوشی شود و از تباهی در امان  
 بماند. ای کاش که با ایمان بدان اتاق داخل شوی و تا ابد  
 در محبت خدا سکونت گزینی! علاقهٔ خود را آشکار ساز و  
 جانت را در خوشی آن، تسلی ببخش. برای اینکه شما به این  
 بهشت که بر زمین آمده، داخل شوید، آیا لازم است استدلال  
 بسیار به کار برم یا در شما اشتیاق و انگیزه ایجاد کنم؟<sup>۵</sup>  
 هیچ چیزی به اندازهٔ مصاحبت با خدا، جان آدمی را

1. England's Duty, IV:239.

2. England's Duty, IV:247.

3. England's Duty, IV:250.

4. England's Duty, IV:249.

5. Righteous Man's Refuge, III:394-5.

دگرگون نمی‌سازد. آن کس که با او بیشتر مصاحبت داشته باشد، بیشتر به شباهت خدا درمی‌آید.<sup>۱</sup>

هر اتحادی با مسیح، در داشتن مشارکت با او نشان داده می‌شود، در غیر این صورت ادعاهای ما پوچ هستند. بسیاری از شما به دنبال شواهد و مدارکی هستید که نشان دهند در اتحاد با مسیح به سر می‌برید. این همان نشان اصلی است؛ آیا با او مشارکت دارید؟ اگر چنین است، می‌توانید اطمینان خاطر داشته باشید که در اتحاد با او هستید. «اگر به روح زیست می‌کنیم، به روح نیز رفتار کنیم» (غلاطیان ۵: ۲۵). این یعنی زندگی در فیض را با اعمال فیض‌گونه در داشتن مشارکت با خدا، نشان دهیم. وقتی همه چیز گفته شده؛ این بهترین نشانه از اتحاد ما با مسیح است. هیچ عطیه یا قدرتی - بدون این مطلب - نمی‌تواند دال بر اتحاد ما با مسیح باشد.<sup>۲</sup>

جانی که دگرگون شده، به سان آدمی گرسنه و مشتاق یا آدمی که طالب گنج است، به سراغ نیایش می‌رود.<sup>۳</sup>

اگر مصاحبت اندک و ضعیف ما با خدا در اینجا، چنین خوشی در وجودمان ایجاد می‌کند، پس در وصف بهشت چه می‌توان گفت! دیدن جمال روی او به نحوی عالی چگونه است؟ (ر.ک اول قرن‌تیان ۹: ۲). شما به واسطه ایمان و محبت

1. England's Duty, IV:250.

2. England's Duty, IV:250.

3. England's Duty, IV:260.

خود به مسیح، طعم کبریایی توصیف ناپذیر او را چشیده‌اید؛ با این حال، آنچه که چشیده، دیده و شنیده‌اید، در مقایسه با آن سعادت، کمال و برکتی که در بهشت حکم فرماست، هیچ است و بهشت، چه مکان شگفت‌آوری باید باشد!

چه مجرا و پنجره‌ای شیرین‌تر از دعا برای گریز از این همه گرفتاری سراغ دارید؟ [دعا] تنها چیزی است که در بین این همه گرفتاری و مصیبت، جان شما را شیرین می‌کند.<sup>۲</sup>

عطایا به مانند فیض، با به‌کارگیری و تلاش رشد و نمو می‌کنند. خداوند در وقت نیایش به دنبال شیوایی سخن نیست. عبارات کوتاه و شکسته، ناله و زاری‌های او را بیشتر از هر سخن شیوا خشنود می‌سازد.<sup>۳</sup>

یک یا دو ساعت شرکت در مراسم مذهبی کار بزرگی نیست، اما دلشکستگی، جست‌وجو و فروتنی از بابت گناه؛ و تبدیل احساسات مرده و محبت فانی به قالبی روحانی و آسمانی، زحمتی بسیار به همراه دارد.<sup>۴</sup>

یک مسیحی، با رها کردن چیزی که توان نگهداری از آن را ندارد، به چیزی دست می‌یابد که هرگز از دست نخواهد داد.<sup>۵</sup>

ابدیت، خود را در لحظه‌ای کوچک از زمان آویخته است.<sup>۶</sup>

1. England's Duty, IV:262-3.      2. England's Duty, IV:279.

3. England's Duty, IV:280.      4. England's Duty, IV:281.

5. England's Duty, IV:28.        6. England's Duty, IV:287.

داشته‌ها ما را نابود نمی‌سازند، بلکه دوست داشتن بیش از حد است که ما را ویران می‌کند. باغیرت‌ترین دوران کلیسا، دوران فقرش بوده است.<sup>۱</sup>

خاکِ تو از آنِ خداست و گور، این پیوند را از بین نمی‌برد.<sup>۲</sup> دلخوشی‌های مادی تنها آسایش‌هایی هستند که با این زندگی جسمانی که اکنون در آن هستیم سازگار شده‌اند، اما زمانی فرا خواهد رسید که دیگر نیازی به آن نخواهد بود، چون خدا در همه چیز حضور خواهد داشت. به این معنا که همه ایمانداران تنها در خدا و به واسطه او کاملاً خشنود و راضی خواهند بود. چنانکه در دریا آب بسیار است که می‌تواند رود و چشمه و دریاچه‌های جهان را پر سازد؛ و چنانکه خورشید نور و تابش دارد و می‌تواند عالم را روشن بسازد؛ خدای یکتا نیز چنان عالی و کامل است که می‌تواند جمیع روح‌های مبارکی که در بهشت هستند را خشنود سازد، بدون اینکه نیازی به آسایش‌های مادی، ملک، زن، فرزند، نوشیدن و خوراک باشد. بدون تمام اینها مقدسین در آسمان خشنود هستند؛ به زبان ساده هنگام ظهر، نیازی به روشن کردن شمع نیست.<sup>۳</sup>

میثاق فیض، پناه و امنیت توست.<sup>۴</sup>

به همان اندازه که از مخلوقات و ساخته‌ها انتظار داشته

---

1. England's Duty, IV:304-5. 2. Soul of Man, II:60.

3. Balm of the Covenant, VI:119. 4. Balm of the Covenant, VI:119.

باشیم و از آن‌ها لذت ببریم، هنگام جدایی از آنها غمگین و ناامید خواهیم شد.<sup>۱</sup>

حضور مخصوص خدا در هنگام بروز تنگی و ژرفای مصیبتی که بر تو واقع می‌شود، با توست.<sup>۲</sup>

می‌توان گفت شمع زندگانی، سوخته و شیشه‌ی عمر، ترک برداشته، اما هنوز چند شبانه‌روز، خیلی اندک باید سپری شود تا عاقبت نه شبی ماند و نه روزی!<sup>۳</sup>

ارزش یک روح، بیشتر از تمام جسم‌های این دنیاست.<sup>۴</sup> اگر مردی به دادگاه فرا خوانده شده و زندگی‌اش بدو بخشیده شود و یا هزاران پوند پول دریافت کند و به خانه برگردد، و دستمال یا دستکش خود را گم کند، مطمئناً بابت چنین چیزهای کوچکی مویه و زاری سر نخواهد داد! زیرا می‌داند که چه بخشایشی نصیبش شده است. به همین منظور چیزهای کوچک، ارزش ذکر شدن ندارند.<sup>۵</sup>

هیچ دکمه‌ای وجود ندارد که بتوان گذر زمان را با آن متوقف کرد یا لحظه‌ای را که گذشت تکرار کرد و بازگرداند. آن هنگام که ما متولد می‌شویم، حرکت مرگ به سوی ما آغاز می‌شود و امروز برای بسیاری از ما چقدر نزدیک است؟ ما را تعقیب کرده و به زودی ما را بلند می‌کند و به کام خود می‌کشانند.<sup>۶</sup>

1. Balm of the Covenant, VI:84.    2. Balm of the Covenant, VI:101.

3. Soul of Man, II:586.

4. Soul of Man, II:495.

5. Balm of the Covenant, VI:104.

6. Soul of Man, III:6-7.

کدام بازرگانی حاضر است صد پوند مهره شیشه‌ای و آویز را در ازای یک تن طلا معاوضه کند؟ یا چند اسباب بازی پرزرق و برق را در برابر تعداد بی شماری الماس قرار دهد؟<sup>۱</sup> در آدم [اول] کشتی غرق و نابود شد؛ مسیح، تخت رحمت است که از آسمان فرود آمد تا برخی را نجات دهد.<sup>۲</sup> هر فساد و کندوکاوی از وسوسه نشات می‌گیرد و آدمی را وادار می‌سازد که هرچه را تاکنون در وجودش انجام شده، زیر سؤال ببرد.<sup>۳</sup>

جان [آدمی] به سان چشم است که خودش را نمی‌بیند، اما می‌تواند چیزهای دیگر را ببیند.<sup>۴</sup>

در رابطه با جلالی که مربوط به ایمانداران است، باید بگویم ای دوستان! مانند این است: برای شرابی قوی باید ظرفی مناسب و مقاوم تهیه شود، چون اگر ظرفی قدیمی با شرابی تازه پر شود، تاب نخواهد آورد؛ بنابراین برای شراب تازه، باید ظرف مناسب انتخاب شود تا مبادا از دست برود. حالت فانی مانیز چنین است، نمی‌تواند کمال شادی را تحمل کند. یک بار یک مسیحی گفت: «خداوندگارا! دست نگهدار! آفریده تو، ظرفی است سفالی و دیگر تاب و تحمل ندارد!»<sup>۵</sup>

1. Soul of Man, III:106.

2. Soul of Man, III:221.

3. Soul of Man, III:116.

4. Soul of Man, II:482.

5. Sacramental Meditations, VI:391.

چگونه فیض بلاعوض، راه خود را از میان کوهی از غرور می‌یابد؟ چگونه در میان این حجم از مردگی، کفر و سختی که دل ما را در بر گرفته، راه خود را می‌یابد و این دل سنگی را در هم می‌شکند تا به ما محبت کند؟ اگرچه پلیدی در میان ماست، اما خدای فیاض از ما غافل و دور نیست.<sup>۱</sup>

ممکن است دیگران با اعمال خود مشغول باشند، اما خدا با آنها کاری ندارد.<sup>۲</sup>

یک خدای جسم‌شده، شگفتی عالم است! در اینجا متناهی و نامتناهی به هم پیوسته‌اند. ابدیت با زمان و آفریدگار با آفریده، در یک شخص! تحسین چیزهای کوچک، به دلیل ضعف است و تحسین نکردن امور بزرگ، به دلیل حماقت! حکمت بی‌نهایت آمد تا درمان درد بیمار شود. این مرض، غرور انسان بود و چاره این مرض، رنج و حقارت پسر خدا بود!<sup>۳</sup>

روح ایمانداران هرگز از رؤیت عیسای مسیح سیر و دلزده نمی‌گردد. ما می‌دانیم که چه چیزی خسته‌کننده است. بله، امور زمینی خسته‌کننده هستند، فارغ از اینکه چقدر در وهله نخست عالی و دلپذیر به نظر برسند. علت این است که لذت بردن از امور زمینی، کم عمق است و با اندکی اندیشه

---

1. Sacramental Meditations, VI:398.

2. Sacramental Meditations, VI:389.

3. Sacramental Meditations, VI:412.

متوجه می شویم که چقدر سریع پایان می پذیرد. از آنجایی که [در زمین] منبع تازه‌ای برای خوراک دادن به روح گرسنه وجود ندارد، این مورد پیوسته تکرار می شود و جان آدمی خسته می گردد. اما در رابطه با مسیح همه چیز متفاوت است. اگرچه تنها او امر مطلوب است، اما همه چیز به نحوی عالی در او وجود دارد. برای ایماندارانی که در بهشت به سر می برند، او هر روزه یک مسیح تازه است. در عین حال همان مسیحی است که بوده. با گذشت میلیون‌ها سال، نجات یافتگان همچنان با شوق و ذوق به او می نگرند و بدو عشق می ورزند. عشق به مسیح، پایانی ندارد و ماورای فهم و دانش می باشد.<sup>۱</sup> چقدر تحسین برانگیز است که محبت مسیح، در پی تو آمده است. آیا میلیون‌ها انسان در این جهان وجود ندارند که از تو خلق و خوی بهتری دارند و اخلاق مدارتر هستند. لیکن مسیح از کنار ایشان گذشته و تو را در آغوش کشیده است! شاگردان از او پرسیدند: «سرور من، چگونه است که می خواهی خود را بر ما ظاهر کنی، اما نه بر این جهان؟» (یوحنا ۱۴:۲۲). به یقین او تو را به سبب برتری داشتن نسبت به دیگران برگزیده و محبت خود را نثار تو نکرده، بلکه چون تو را دوست داشت به دنبال آمد.<sup>۲</sup> اگر رحمت‌هایی که بر زندگی ما آمده، به سان سند و مدرک

---

1. Sacramental Meditations, VI:459.

2. Sacramental Meditations, VI:459.

جمع‌آوری می‌شد؛ کوهی از مدارک و شواهد پدید می‌آمد!<sup>۱</sup>  
 ما مدعی هستیم که برای ابدیت، به خدا اعتماد کرده‌ایم.  
 لیکن حتی بابت نان روزانه خود به وی اعتماد نداریم! ما  
 بدی‌های فردا را به امروز خود کشانده‌ایم. علت هم این است  
 که نمی‌توانیم ایمان بیشتری داشته باشیم.<sup>۲</sup>

رحمت خدا بهر حیات جاودان و یا رحمت او که سبب  
 رستگاری می‌شود؛ فقط به واسطه عیسی مسیح به ما داده  
 می‌شود.<sup>۳</sup>

چقدر دلپذیر است که درک کنیم خدای حکیم مطلق، همه  
 چیز و همه کس را بهر ستایش خود و سعادت قومش، به کار  
 می‌برد.<sup>۴</sup>

بیشتر کلام خدا را مطالعه کن و از علایقت به دنیا کم کن.  
 آنچه را که می‌دانی عملی نما و آنچه را که وظیفه‌ات است  
 به جا آور.<sup>۵</sup>

چقدر دلپذیر است طریقی که جان آدمی به واسطه  
 مرحمت الهی، با خدا مصاحبت می‌کند. ای کاش با خدا  
 این‌گونه هم‌قدم می‌شدی! اگر به این شیوه عمل می‌نمودی  
 چه مقدار از آسمان را بر زمین آشکار می‌ساختی!<sup>۶</sup>

1. Sacramental Meditations, VI:457.

2. Sacramental Meditations, VI:432.

3. Sacramental Meditations, VI:413.

4. Mystery of Providence, IV:340.

5. Mystery of Providence, IV:470.

6. Mystery of Providence, IV:439.

نیایش، مرحمت خدا را تکریم می‌کند و مرحمت خدا، نیایش را حرمت می‌نهد.<sup>۱</sup>

تامل در طریق‌های مرحمت خدا، خوراکی برای ایمان ما در هنگام پریشانی است.<sup>۲</sup>

اگر در این دنیا، هیچ جزایی نصیب هیچ گناهی نمی‌شد؛ باور به مرحمت ممکن نبود؛ و اگر هر گناهی در اینجا جزایش را می‌دید، دیگر کسی منتظر داوری نمی‌ماند.<sup>۳</sup>

خشنودی خدا از ما، بسیار مهم‌تر از هر شهرت و شکوهی است که قبل و بعد از مرگ، در میان آدمیان نصیبمان شود.<sup>۴</sup> خدای متعال محدود به طریق و روش نیست.<sup>۵</sup>

نیایش دربرگیرنده مشیت الهی است.<sup>۶</sup> در هر کجا که احساس راحتی می‌کنید، خدا انتظار حمد و ثنا دارد.<sup>۷</sup>

اگر مسافری تمام پول خود را خرج کند ولی در چند مایلی خانه‌اش باشد، مشکل چندانی نخواهد داشت. اگر مادر خانه شمعی نداشته باشیم و در نیمروز به سر ببریم، برایمان اهمیتی نخواهد داشت؛ چون می‌دانیم نیازی به شمع نیست.<sup>۸</sup>

---

1. Mystery of Providence, IV:418.

2. Mystery of Providence, IV:415.

3. Mystery of Providence, IV:35.

4. Mystery of Providence, IV:338.

5. Mystery of Providence, IV:345.

6. Mystery of Providence, IV:336.

7. Mystery of Providence, IV:394.

8. Mystery of Providence, IV:432.

اگر همه چیز بدون تغییری جلو برود، فکر می‌کنیم دعاها یمان بی‌پاسخ مانده و امیدمان به خدا از دست می‌رود؛ اگر اوضاع رو به وخامت برود نیز همین فکر را می‌کنیم، در حالی که وقتی قرار است شرایطمان عوض شود، چنین چیزهایی پدیدار می‌شوند.<sup>۱</sup>

از هیچ چیز جز گناه نترسید. هیچ چیزی را بیشتر از خشنودی خدا نخواهید.<sup>۲</sup>

ما نمی‌توانیم قلب و فکر خدا را با چیزهایی که با دستانش می‌دهد، درک کنیم.<sup>۳</sup>

هر آدمی رحمت‌های خدا را دوست می‌دارد اما یک قدیس، خدای رحمت را دوست می‌دارد. رحمت خدا برای شخص شریر، به سان هیزم برای آتش شهواتش است، اما برای انسان نیکو سوختی محسوب می‌شود که محبت به خدا را حفظ می‌کند. محبت چنین افرادی به خدا به خاطر منافع بیرونی نیست، بلکه ای خداوند! به سبب نیکویی روح افزای توست. چنین چیزهایی سبب می‌شود که عشق به خدا در قلب مقدسین شعله بکشد و تمام وجودشان را در بر بگیرد.<sup>۴</sup>

اگر می‌بینید که کشاورزی درختی را در فصل مناسب

1. Mystery of Providence, IV:433-4.

2. Mystery of Providence, IV:467.

3. Mystery of Providence, IV:479.

4. Mystery of Providence, IV: 438.

هرس می‌کند، دلیلش این است که می‌خواهد آن درخت بارور و شکوفا شود.<sup>۱</sup>

اینکه همواره نسبت به خدا افکار محبت‌آمیز و دلپسند داشته باشیم؛ حتی هنگامی که به نظر می‌رسد او ما را کوبیده و در هم شکسته؛ آشکارا نشان می‌دهد که ما خدا را به خاطر خودش دوست می‌داریم، نه به خاطر نعمات و برکاتی که به ما داده است.<sup>۲</sup>

حق تعالی، باید وجودی کنترل‌نشده‌نی و توصیف‌ناپذیر باشد.<sup>۳</sup>

خوشی پنهان مقدسین، در خداوند است. ایشان از مَنّایی نهان تناول می‌کنند که هیچ کس غیر از خودشان از این امر خیر ندارد.<sup>۴</sup>

رحمت‌هایی که به دست فراموشی سپرده شده‌اند، بی‌ثمر هستند. خاطرات بد، قلب و زندگی را عقیم می‌سازند.<sup>۵</sup>

افسوس! هدف مسیح این نبوده که برای شما احساس خشنودی و راحتی در باب امور زمینی را مهیا کند، بلکه او آمد تا شما را از گناه‌رهایی بخشد، فساد را از شما برداشته و وجودتان را پاک سازد، فطرت شما را تقدیس کرده و دلبستگی شما را از این عالم شرور بردارد و بدین ترتیب

---

1. Mystery of Providence, IV: 480.

2. A Token for Mourners, V: 620-1.

3. Token for Mourners, V:626.

4. The Seaman's Companion, V:382.

5. The Seaman's Companion, V:409.

وضعیت کنونی تان را چنان سامان دهد که با نیافتن آرامش و خرسندی در اینجا؛ با اشتیاق و شور و شوق بیشتر، خواهان آرامشی باشید که برای قوم خدا باقی مانده است.<sup>۱</sup>

ای مسیحی! آیا بوسه از لبان او، نظری کوتاه بر منظر او و محبتی از سوی روحش، از هر رابطه انسانی در این دنیا دلپذیرتر و نیکوتر نیست؟ اگر جریان جوی آب قطع می‌شود؛ به سوی سرچشمه بروید، چون همه چیز در او به کمال وجود دارد. خدا همان جایی است که بوده، جایی که هیچ مخلوقی نمی‌تواند در آن جایگاه بایستد.<sup>۲</sup>

بهتر است که ده فرزند خود را در گور دفن کنی تا اینکه حتی یک درجه از محبت تو به خدا کم شود. اگر خدا تو را در هم شکسته، مقصودش این بوده: «هر چیزی را که قلب تو را از او دور می‌سازد از وجودت جدا کند تا به او نزدیک‌تر شوی.» چطور از نقشه خدا ناامید می‌شوی؟ آیا باید خدا لذت مصاحبت با تو را از دست بدهد، چون تو سرگرم با مخلوقات هستی؟<sup>۳</sup>

اگر اراده خدا تمام انسان‌ها را در موقعیتی مشابه و سطحی برابر قرار داده بود؛ شخص دولتمند، فرصت بخشش و شخص فقیر، فرصت صبوری نداشت.<sup>۴</sup>

ای کسی که مخاطب من هستی! به تو نصیحت می‌کنم

1. Token for Mourners, V:628.

2. Token for Mourners, V:652.

3. Token for Mourners, V:619.

4. The Seaman's Companion, V:397.

با وجود تمام ناامیدی‌هایی که تجربه کرده‌ای، از هر برکت کوچکی که خدا به تو عطا کرده، لذت ببر. اگر خدا به تو دارایی اندک و دلی راضی بخشیده، بهتر از این است که آرزوهای خود را به دست بیاوری! آری، زنبور با دو یا سه گل، غذای شیرین‌تری تولید می‌کند تا گاوی که در چمنزار به سر می‌برد.<sup>۱</sup> این امر برای هر شخصی ناپسند و ناشایسته است که از زمانی که برای دعا صرف می‌کند، نفرت داشته و آن را به عنوان اتلاف وقت در امور تجاری خود تلقی کند.<sup>۲</sup> انسانی دولتمند است که در فیض، غنی باشد؛ فیضی که به واسطه ثروت دچار کم و کاستی نمی‌شود.<sup>۳</sup> خدا با خشنودی به اعمال نیکویی می‌نگرد که پنهانی انجام می‌شوند.<sup>۴</sup>

در هنگام تنگی، خود را به خدا سپرده و به او تکیه کنید.<sup>۵</sup> شما به اشتباه گمان می‌کنید اگر تحت سلطنت مسیح قرار بگیرید؛ از هر خوشی و لذتی محروم می‌شوید. اما یکی از چیزهایی که در پادشاهی او یافت می‌شود، خوشی در روح القدس است (ر.ک رومیان ۱۴:۱۷). او به لذایذ گناه‌آلود اجازه حضور نمی‌دهد و باید گفت نیازی هم به این کار

---

1. The Seaman's Companion, V:403.  
2. The Seaman's Companion, V:394.  
3. Touchstone of Sincerity, V:539.  
4. The Seaman's Companion, V:381.  
5. The Seaman's Companion, V:369.

نیست؛ چون روزی که به مسیح نزدیک می شوی، هر خوشی و لذت کامل و پاکی نزد تو آمده و باید بدانی که این خوشی‌ها حقیقی و ابدی هستند. آن هنگام که پسر گمشده نزد پدر خود بازگشت؛ کلام می فرماید: «به جشن و سرور پرداختند» (لوقا ۱۵: ۲۴). ای جان من! تو دیگر نیازی به خوشی‌های [گناه‌آلود] نداری؛ چرا که کتاب مقدس می فرماید: «از نعمت سرشار خانه تو، سیراب می شوند، و از نهر لداید خود بدیشان می نوشانی. زیرا نزد تو چشمه حیات است، و در نور توست که نور را می بینیم» (مزمور ۳۶: ۸-۹).<sup>۱</sup>

ای دوست من! به تنهایی روانه شو و از دنیا دست بکش؛ نگو که فرصتی برای نیایش نداری. بهتر است از چیز دیگری غافل شوی تا نیایش کردن.<sup>۲</sup>

بهترین راه برای هلاکت این است که خدا را از یاد ببری و از نیایش کردن غافل شوی.<sup>۳</sup>

از طریق دعا، خدا هر چیزی را مهیا می کند.<sup>۴</sup>  
بهترین چیزی که در اینجا می توانید بیاموزید، بیهودگی مخلوقات و پوچی ای است که بر آفرینش حاکم شده است.<sup>۵</sup>  
آیا از بذر گناه، آرامش و فراغت بار می آید؟<sup>۶</sup>

---

1. The Seaman's Catechism, V:339.  
2. The Seaman's Companion, V:358.  
3. The Seaman's Companion, V:354.  
4. The Seaman's Companion, V:350.  
5. Funeral of John Upton, VI:130.  
6. Funeral of John Upton, VI:134.

قابل تصور نیست که خدا اشتیاق جاودانگی را در جانی فانی و ناتوان قرار دهد؛ توضیح منطقی برای این امر وجود ندارد که چرا ما انسان‌ها، شوق جاودانگی داریم، مگر اینکه طبیعت، جان جاودان باشد.<sup>۱</sup>

باید اقرار کنم که درک می‌کنم چرا افراد بی‌ایمان (غیرمسیحی) از مرگ می‌ترسند. ایشان دلایل بسیاری برای ترس و واهمه از مرگ دارند، زیرا موت برای ایشان به منزلهٔ هلاکت و نابودی است. اما برای یک مسیحی ترس از مرگ باید عجیب باشد. چون مرگ برای ایشان که در مسیح هستند، در مقام یک رفیق است. پس از چه می‌ترسی؟ از اینکه نزد مسیح بروی؟ یا از گناه و مصیبت‌های یابی؟<sup>۲</sup> برخی از رویدادها مانند حروف عبری هستند؛ برای درک کردنشان باید معکوس خوانده شوند.<sup>۳</sup>

چقدر قابل تأمل است که در میان ما خانواده‌هایی وجود دارند که مانند مهد کودکی برای جهنم هستند! والدینی که فرزندان‌شان را برای شیطان تربیت می‌کنند؛ کلامی از خدا در بینشان نیست (مگر کفرگویی و ناسزا). همین امر سبب می‌شود که تحصیلات آنها در مسیر جهالت و پلیدی باشد و با جزر و مد این دنیا بدون هیچ مقاومتی، راهی جهنم شوند.<sup>۴</sup>

1. Soul of Man, II:569.

2. Soul of Man, II:608.

3. Navigation Spiritualized, V:284.

4. Soul of Man, III:219.

چه چیزی مرا متفاوت [از بقیه] کرد؟ چطور شد که به نحوی فوق العاده از دیگران جدا شدم؟ به یقین به واسطه فیض بی بدیل و بلاعوض تو چنین شد، وگرنه من همانی ام که هستم!<sup>۱</sup>

بگذار همیشه این یک نکته فروتن کننده برای من باشد. زیرا چه کسی مرا [از بقیه] متفاوت نمود؟ آیا این یکی از اهداف خدا برای فرا خواندن افرادی چون من نیست، تا تعریف نمودن از خود کنار گذاشته شود و او بلند شده و جلال یابد؟<sup>۲</sup>

عاقبت، مسیحیان به مامن مورد نظر راه پیدا خواهند کرد؛ صدای هلله و شادی و آواز در بهشت بلند شده و ستایش و تمجیدها در آنجا طنین انداز خواهند شد. آیا چیزی غیر از این می توان انتظار داشت که به محض رسیدن به آن بندرگاه پرشکوه، مسیح را ملاقات کرده که با این جمله از ما استقبال می کند: «بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من...» (متی ۲۵: ۳۴). ای آوای شادی! ای واژه مطلوب! آدمی به خاطر شنیدن این کلام متحمل چه مصیبت هایی که نمی شود!<sup>۳</sup>

اگرچه در زمان حاضر در دریایی از مشکلات و ترس و وسوسه ها گرفتاریم. لیکن تمام این امور، بهشت را برایمان

1. Navigation Spiritualized, V:226.

2. Navigation Spiritualized, V:238.

3. Navigation Spiritualized, V:290.

دلپذیرتر می‌سازند. پس ای جان من! شادی نما! زیرا رستگاری و نجات در مقایسه با زمانی که ایمان آوردی، به تو نزدیک‌تر شده است (ر.ک رومیان ۱۱:۱۳). هنوز چند صبحی باقی مانده، اما عاقبت، آن روز فرخنده‌ای که برای مدت‌ها چشم‌انتظارش بودی فرا خواهد رسید.<sup>۱</sup>

هیچ وقت برای اعتماد و تکیه کردن به خدا، چیزی به نام بیش از حد وجود ندارد و هیچ وقت هم نمی‌توانید حتی اندک اعتمادی بر مصنوع و مخلوق داشته باشید.<sup>۲</sup> چنانکه درختی سقوط می‌کند، دروغ نیز هنگام قضاوت، مرگ را تجربه خواهد کرد.<sup>۳</sup>

هیچ دلیل مناسبی برای تاخیر یک ساعته وجود ندارد؛ نمی‌توان زودتر از موعد، خوشحالی را تجربه کرد. مطمئن باش اگر شیرینی زندگی مسیحی را تجربه کنی، چیزی بیشتر از این تو را محزون و مغموم نخواهد کرد که چرا زودتر از این شادی و خوشی بهره‌مند نشدی.<sup>۴</sup>

نباید انتظار داشته باشیم که از مشکلات رهایی بیابیم، مگر در آن روزی که پا به بهشت بگذاریم.<sup>۵</sup>

دیگر هیچ فرار و سرگردانی، اندیشه‌های پریشان، یا اشکی نخواهد بود. در کام لذت تمام عیار مسیح، تمام ترس‌ها

---

1. Navigation Spiritualized, V:291.

2. Navigation Spiritualized, V:259.

3. Navigation Spiritualized, V:222.

4. Navigation Spiritualized, V:338.

5. Navigation Spiritualized, V:219.

جان می‌بازند. لذت‌های دربار پادشاهان در مقایسه با این لذت‌ها، چیزی جز بازیچه نیستند؛ اینها شادی‌هایی متعالی هستند، شادی‌های خود مسیح؛ اما ماهیت آنها چیست.

زبان فرشته هم برای بیانش لکنت می‌گیرد. اگر درک ما روشن می‌بود و زبان، یارای رسیدن به ذات الهی را داشت، باز هم لحنی برای وصف این شادی‌ها یافت نمی‌شد. حاشا! خورشید را بیش از حد درخشان توصیف کردن! چنین چیزی ممکن نیست؛ بی‌تردید، آسمان هیچ‌گونه اغراقی را نمی‌پذیرد. اندیشه‌هایم بلعیده شده‌اند، ذوق شاعری‌ام به ستوه آمده؛ و بال‌هایش را آویخته، ادراک دیگر اوج نمی‌گیرد؛ جایی میان فرزندان در آنجا به من عطا کن؛ حتی اگر با آنها در دخمه‌ای باشم.<sup>۱</sup>

من مصنوعات و دست‌افزارها را بسیار نگاه کرده‌ام، اما خدا را کم دیده‌ام.<sup>۲</sup>

تولد تازه مشکلات ما را از میان بر نمی‌دارد. لیکن این مشکلات را تقدیس کرده، دلپذیرشان می‌سازد و به خیریت و برکت ما بدل می‌شوند.<sup>۳</sup>

حقیقت مقدس پناه توست، از هیچ مصیبتی ترسان نباش.<sup>۴</sup>

1. Navigation Spiritualized, V:292.

2. Navigation Spiritualized, V:268.

3. Navigation Spiritualized, V:218.

4. Navigation Spiritualized, V:217.

طبیعتی تازه، کلمات و اعمالی تازه پدید می‌آورد.<sup>۱</sup>  
بهای [زندگی] گران است. لیکن اگر مسیح را به کف آورید  
دلیلی برای نگرانی وجود ندارد؛ یک شاهزاده قادر است  
بدهی یک گدا را پرداخت کند.<sup>۲</sup>

[ای خداوند] بیا و زنجیرهای بی‌ایمانی را از من جدا کن.  
تو جانم را آزاد ساز تا تو را پرستش کند.<sup>۳</sup>  
از این پس تو خداوند و سرور من باش، خدمت به تو،  
آزادی است.<sup>۴</sup>

ناامیدی اهریمنی است که راه چاره را خوار می‌شمارد.<sup>۵</sup>  
خدا این تن را به تو بخشیده تنها بهر خوردن و نوشیدن؟  
اینکه شکم خود را از شراب و آبجو و گوشت پر سازی؟<sup>۶</sup>  
وفاداری بی‌نظیر خدا چنین است که اگر کسی جرات کند خود  
را در آغوش او بیندازد و بدو اعتماد کند، هرگز ناامید نمی‌شود.<sup>۷</sup>  
اعمالی که از سر ایمان باشند، از اعتماد به توان جسمانی  
دست می‌کشند و تنها به کمک از جانب خدا امید دارند.  
سپردن خود به خدا، به معنای دور شدن از انسان است. اگر  
یک بخش از اعتماد خود را بر خدا بگذاریم و بخش دیگر را  
بر مخلوق، مانند این است که یک پای خود را بر صخره و

---

1. Navigation Spiritualized, V:314.

2. Navigation Spiritualized, V:263.

3. Navigation Spiritualized, V:341.

4. Navigation Spiritualized, V:341.

5. Navigation Spiritualized, V:308.

6. Navigation Spiritualized, V:300.

7. A Practical Treatise on Fear, III:280.

پای دیگر را بر شن‌های روان بگذاریم. آن اعمالی که از ایمان باشند و تمام جلال را به خدا بدهند، به ما آرامش حقیقی عطا می‌کنند.<sup>۱</sup>

چه زمانی از «اما و اگرها» و تردیدها و پرسش‌هایمان در مورد حکمت و مرحمتی که خدا بر ما دارد دست می‌کشیم و یاد می‌گیریم که بابت همه چیز به او اعتماد کنیم؟<sup>۲</sup>

اهالی این دنیا، خاک و غبار این جهان را به خدا ترجیح می‌دهند. تنها افراد معدودی هستند که مسیحی می‌شوند و عیسی‌ای خداوند را از صمیم دل دوست می‌دارند.<sup>۳</sup>

شکنجه، نبوغ شیطان است که به سان سایه به دنبال انجیل می‌رود، همان‌طور که سایه بدن را دنبال می‌کند.<sup>۴</sup>

شریعت، ما را نزد مسیح می‌برد تا عادل شویم و مسیح ما را نزد شریعت می‌برد تا منظم شویم.<sup>۵</sup>

تقدیس، متعلق به یک مسیحی است و تسلی، برای سعادت اوست.<sup>۶</sup>

این پاسخی بی‌نظیر است و یک مسیحی می‌تواند چنین انتخابی داشته باشد. هنگامی که فرزند یک زن مسیحی بیمار و رو به موت بود، دوستی از مادر آن فرزند پرسید: «در رابطه با اوضاع فرزندت، از خدا چه تقاضایی داری؟ بهر

1. Treatise on Fear, III:293.

2. Treatise on Fear, III:320.

3. Method of Grace, II:473.

4. Method of Grace, II:278.

5. Method of Grace, II:271.

6. Method of Grace, II:335.

زندگی اش به خدا التماس می کنی یا او را به دستان مرگ می سپاری؟» مادر پاسخ داد: «این امر را به خواست خدا می سپارم»، دوستش ادامه داد: «اگر خدا این خواسته را به تو بسپارد چه می کنی؟» مادر گفت: «حتی اگر خدا آن را به من بسپارد، باز هم این مورد را به خواست خدا تقدیم می کنم.»<sup>۱</sup> یک شخص بی ایمان از آدمیزاد می ترسد؛ یک مسیحی با ایمان از خدا می ترسد و یک مسیحی ضعیف از آدمیزاد ترس بسیار دارد و از خدا کمی می ترسد!<sup>۲</sup>

همان طور که بادهای زمستانی، علف های هرز را از بین می برند تا در تابستان محصول بهتر پرورش یابد؛ خدا نیز از طریق مصائب، فساد شما را پاک می کند.<sup>۳</sup> عالی ترین لذایت، همسر، فرزند و مال و دارایی ما، مانند کدویی است که یونس نبی از آن خشنود بود و در عرض یک شب پژمرد!<sup>۴</sup>

اگرچه او ما را رنج می دهد، اما دوستان دارد. اگرچه ما او را می آزاریم، ولی همچنان دوستدار ماست.<sup>۵</sup> حس تقصیر و گناه، اساس ترس است.<sup>۶</sup> هنگامی که خداوند را به عنوان خدا و سرور خود می پذیریم،

---

1. Soul of Man, III:293.

2. Treatise on Fear, III:241.

3. Righteous Man's Refuge, III:329.

4. Righteous Man's Refuge, III:374.

5. Righteous Man's Refuge, III:394.

6. Righteous Man's Refuge, III:366.

یعنی [ارادهٔ او را] به عنوان خیریت کامل پذیرفته‌ایم.<sup>۱</sup> اینک دل‌نگران از دست دادن آزمایش زمینی هستیم، در حالی که امور آسمانی ماندگار هستند، مانند این است که مردی از پادشاه عفو گرفته و در امنیت قرار دارد، اما در راه برگشت به خانه زارزار گریه کند، چون دستکش خود را گم کرده است!<sup>۲</sup>

هر چیزی را که به خدا بسپاری تغییر خواهد کرد.<sup>۳</sup> هنگامی که خدا کاری را انجام می‌دهد، قدرت او نیاز به هزینه‌ای ندارد.<sup>۴</sup>

به دنبال چشیدن و تجربهٔ درونی تمام حقایقی باشید که مدعی‌اش هستید.<sup>۵</sup>

آنچه که امروز حقیقت دارد، فردا هم حقیقت دارد.<sup>۶</sup> زندگی باید منشا عمل ما باشد نه هدف اعمالمان.<sup>۷</sup> ما فقط به وسیلهٔ عدالت مسیح، عادل شمرده می‌شویم و نجات می‌یابیم. او عمل کرد و ما بهره می‌بریم.<sup>۸</sup>

من شخصا باور دارم که دلپذیرترین ساعاتی که مسیحیان در این جهان سپری می‌کنند، زمانی است که به خلوت رفته و در آنجا می‌مانند، کسی جز خالقشان ایشان را نمی‌بیند و

1. The Causes and Cure of Mental Errors, III:417.

2. Righteous Man's Refuge, III:403.

3. Righteous Man's Refuge, III:404.

4. Righteous Man's Refuge, III:346.

5. Mental Errors, III:456.      6. Mental Errors, III:490.

7. Mental Errors, III:417.

8. The Rise and Growth of Antinomianism, III:582.

آنان چشم بر کتاب مقدس و بعد بر خدا می‌دوزند؛ مبحث مورد علاقه‌شان را از مسیح دنبال می‌کنند تا اینکه به شادی مورد نظر دست یابند.<sup>۱</sup>

مسیحیان همان قدر که به گناه می‌افتند، به پاهای پدر خود نیز می‌افتند و با جدیت و تواضع، به واسطهٔ خون مسیح از او طلب آموزش می‌کنند.<sup>۲</sup>

ایمان، فیضی است که تماماً از خدا دریافت می‌کنیم.<sup>۳</sup> کسانی که رحمت، آموزش و شفقت را دریافت کرده‌اند، باید بیشتر از هر کسی در این جهان، آمادهٔ نشان دادن و بروز این ویژگی‌ها باشند.<sup>۴</sup>

بگذار که جماعت کلیسا شاهد اتحاد خود با مسیح باشند و خویشان را در ارتباط روزانه و شیرینی که با او هست، دریابند.<sup>۵</sup> آزمایش‌ها، شاهراه یقین هستند.<sup>۶</sup>

کامیابی، هم برای فیض و هم برای فساد، یک بحران محسوب می‌شود.<sup>۷</sup>

دشوار است که به فضیلت‌های دیگران بدون حسادت و به برتری‌های خود بدون غرور نگاه کنی؟<sup>۸</sup>

از دست دادن کوچک‌ترین درجه از فیض الهی، غم‌انگیزتر

1. Antinomianism, III:591.

2. Antinomianism, III:558.

3. Gospel Unity, III:602.

4. Gospel Unity, III:607.

5. Gospel Unity, III:608.

6. The Touchstone of Sincerity, V:581.

7. Touchstone of Sincerity, V:539.

8. Touchstone of Sincerity, V:526

از، از دست دادن بزرگ‌ترین مقدار طلاست.<sup>۱</sup>  
 هرچه فیض افزون شود، فروتنی نیز فزونی می‌یابد.<sup>۲</sup>  
 سختی‌ها باعث نرم و فروتن ساختن دل‌های مهربان  
 می‌شوند. بذر فیض در یک قلب ساده کاشته می‌شود و یک  
 موقعیت عادلانه، باعث رشد سریع آن می‌شود.<sup>۳</sup>  
 این سخن مردی مقدس در دادگاه بود که به خاطر مرگ  
 تنها پسرش در بوتۀ آزمایشی دشوار قرار داشت. هنگامی که  
 خدا در آن روز تاریک، محبت خویش را به او نشان داده  
 بود، او چنین گفت: «اگر برای کشف محبت خدا در این  
 زندگی، لازم باشد هر روز پسرم را به خاک بسپارم، به این کار  
 راضی‌ام!»<sup>۴</sup>  
 همان‌طور که خشنودی و لذت بردن ما از خدا، مقیاس  
 قداست ماست؛ لذت بردن ما از گناه نیز مقیاس گناهکار بودن  
 ماست.<sup>۵</sup>

در روز تاجگذاری سلطنتی، پادشاهان با لباس‌های  
 اشرافی و مجلل، با جواهرات و زیورآلات ظاهر می‌شوند.  
 ایشان در نظر مردمان، باشکوه و پر جلال به نظر می‌رسند  
 و «هیچ کس مثل ایشان آراسته و زیبا نیست.» حال  
 مسیح، برای آنانی که او را در مقام خداوند و پادشاه خود

- 
1. Touchstone of Sincerity, V:533.
  2. Touchstone of Sincerity, V:541.
  3. Touchstone of Sincerity, V:549.
  4. Touchstone of Sincerity, V:550.
  5. Touchstone of Sincerity, V:561.

پذیرفته اند، چقدر زیباتر و پر جلال تر دیده می شود! تمام موجودات دو عالم، اعم از فرشته و انسان، قابل مقایسه با مسیح پر جلال نیستند؛ آنان در برابر کبریای مسیح، مثل کرمی در برابر خورشید هستند.<sup>۱</sup>

ایمان، عملی سنجیده می باشد و مستلزم تعمق و تأمل بسیار است.<sup>۲</sup>

مسیحیان با وجود مشکلات ظاهری، از خوشی وصف ناپذیری برخوردار هستند.<sup>۳</sup>

مسیحیت نه چیزی غم انگیز، بلکه منشا تمام خوشی ها و شادی ها است.<sup>۴</sup>

انسان نیکو، نه از کسی بلکه از گناه او متنفر است. انسان شرور، هم از شخص خدا ترس و هم از اعمال نیکوی او بیزار است. بله، او از هر دو وجه چنین شخص خدا ترسی متنفر است.<sup>۵</sup>

برای دست کشیدن از لذایذ و راهی شدن به سوی خدا، کمترین و کوچک ترین کاری که می توانید بکنید، همین کارهای اندک است. اگر انسانی تشنه، می خواهد از آب گوارایی بنوشد که در حوض بلورین جاری است، باید از آب گل آلودی که در کوزه شکسته است، دست بکشد. به همین شکل اگر مردی

---

1. A Coronation-Sermon, VI:550.

2. Exposition of the Assembly's Catechism, VI:182.

3. Assembly's Catechism, VI:201.

4. Assembly's Catechism, VI:204.

5. The Reasonableness of Personal Reformation, VI:522.

می خواهد از نور جلال خدا و آرامش و بخشایش او برخوردار باشد و با امیدى زنده به اینکه در بهشت با خدا خواهد بود به سر ببرد؛ باید از رفت و آمد به فاحشه خانه دست بکشد (ر.ک اول پطرس ۸:۱). ای آدم بینوا! اگر فقط برای یک بار طعم زندگى مقدس را مى چشیدی و تخصیص شدن به خدا را درک مى کردی؛ اگر مى فهمیدی روح او چه محبت و ثمراتی دارد؛ آن زمان با اشتیاق تمام هر گناه و کثافتی را زیر پا مى گذاشتی تا طعم چنین زندگى را بچشی.<sup>۱</sup>

همگان اتحاد را ستایش مى کنند و وحدت را به نفع کلیسا و پادشاه مى دانند. ایشان آرزو مى کنند که همه یک اندیشه و واحد داشته باشند، اما این اندیشه و واحد چیست؟ قطعاً اندیشه ای که خود در سر دارند!<sup>۲</sup>

زبان پاک، مانند درخت حیات است؛ تبدیل، تسلی و بنا کردن، ثمرات شیرین این لبان هستند.<sup>۳</sup>

فیض ذاتی و درونی و فیض یاری دهنده، با هم متضاد نیستند، بلکه هماهنگ هستند.<sup>۴</sup>

بینید کودکان هنگام بازی چقدر مى دوند و عرق مى ریزند. چقدر زمین مى خورند و زخمی مى شوند، اما نه تنها خسته نمى شوند، بلکه تحمل مى کنند و به این مسائل

1. Reasonableness of Personal Reformation, VI:541.

2. Reasonableness of Personal Reformation, VI:521.

3. Reasonableness of Personal Reformation, VI:488.

4. Preparations for Sufferings, VI:23.

توجهی ندارند. اما اگر بر شانه‌هایشان کاری دشوار قرار دهید، حتی نیمی از این کار را تحمل نمی‌کنند. اگر ما از کار خود لذت ببریم و خشنود باشیم، هرگز از آن خسته نشده و بی‌تاب نمی‌گردیم.<sup>۱</sup>

خدا نام خویش را جلال می‌دهد.<sup>۲</sup>

در برابر تمام بزرگی‌هایی که به دست می‌آوری، فروتن بمان و بگو: «این از من نیست، بلکه به خاطر فیض است.»<sup>۳</sup>  
همه چیز از او دریافت می‌شود تا تمام ستایش و جلال از آن او باشد.<sup>۴</sup>

چه زمانی به باطل بودن خود اتکایی پی می‌بری؟<sup>۵</sup>

بی‌ایمانی و اهمال‌کاری شما بیشتر از شرایط، برای شما دردسرساز می‌شود.<sup>۶</sup>

موجود کوچک و ضعیفی که از سوی خدای بزرگ حمایت شود و مورد تشویق او قرار بگیرد؛ قادر است کارهای بزرگی انجام دهد و برای چیزهای بزرگ رنج بکشد.<sup>۷</sup>

ایمان، باعث دعا کردن می‌شود و دعا، باعث افزایش یافتن ایمان می‌گردد.<sup>۸</sup>

---

1. Preparations for Sufferings, VI:35.

2. Preparations for Sufferings, VI:34.

3. Preparations for Sufferings, VI:67.

4. Preparations for Sufferings, VI:68.

5. Preparations for Sufferings, VI:71.

6. Preparations for Sufferings, VI:57.

7. Preparations for Sufferings, VI:50.

8. Preparations for Sufferings, VI:46.

کسی که در مورد ارزش و اهمیت عدالت مسیح می پرسد؛ [باید بداند] تمام انسان های روی زمین و فرشتگان در آسمان با هم تا ابد نمی توانند به این پرسش، پاسخ دهند. عالی ترین علمی که ما می توانیم در این زندگی به دست آوریم، شناخت خدا و محبت اوست که ماورای فهم و درک ماست (ر.ک افسسیان ۳: ۱۹).<sup>۱</sup>

مسیح، درمان عالی و کامل است.<sup>۲</sup>

تا زمانی که شخصی در مسیح نباشد، هیچ یک از اعمال او نیکو، کامل و مورد پسند خدا نخواهد بود.<sup>۳</sup> چقدر می توان بزرگ و ثروتمند بود؛ آن هنگام که شخصی، با آغوش کوچکش ایمان را در بغل می گیرد.<sup>۴</sup>

عادل شدن از طریق اعمال، نخستین شرابی بود که در جام ریخته شد و همچنان، طعم و مزه اش در جام مانده است.<sup>۵</sup> احیاء شدن و تازگی، دوره ای است که خوشی حقیقی از آن آغاز می شود. شما هرگز روز شادی نخواهید داشت تا زمانی که شروع به زیستن برای خدا کنید.<sup>۶</sup>

تمام لذایذ نفسانی و ناپاک زندگی که تاکنون به واسطه شهوت تجربه کرده اید، در مقایسه با نهر بلورین و چشمه پاک بهشتی، مثل رودی متعفن و برکه ای ناپاک است که وزغها در

1. Method of Grace, II:15.

2. Method of Grace, II:17.

3. Method of Grace, II:41.

4. Method of Grace, II:42.

5. Method of Grace, II:77.

6. Method of Grace, II:90.

آن زندگی و تخم ریزی می کنند.<sup>۱</sup>

هیچ مردی لایق مسیح نیست مگر به خاطر حس بی لیاقتی  
و بی ارزشی که می کند و نداشتن نیکویی و خوبی. همین امر  
است که او را شایسته پذیرش الهی می سازد.<sup>۲</sup>

بر اساس غلاطیان ۵: ۱۷، این موجود تازه در هر وجهی درگیر  
جدال و ستیز است و هر مسیحی این امر را تجربه می کند.  
به این ترتیب، فیض به سان آفتابی که در آسمان می درخشد،  
تابناک تر می شود. «طریق پارسایان همچون طلوع سپیده دمان  
است، که تاروشنایی نیمروز، نور آن هر دم فزونی می گیرد»  
(امثال ۴: ۱۸).<sup>۳</sup>

هیچ کس نمی تواند عیسای مسیح را در جهل و نادانی پذیرا  
شود و دریافت کند؛ ما باید او را درک کرده، چیستی و کیستی  
او را بفهمیم، و بدانیم چه کسی را به عنوان خداوند عدالت  
خود می پذیریم. اگر شخصیت و انگیزه های او را نشناسیم او  
را نه به شکلی درست، بلکه به اشتباه درک خواهیم کرد.<sup>۴</sup>

انجیل، مسیح را به عنوان هدیه ای رایگان به گناهکاران ارائه  
می دهد، نه به عنوان کالایی برای فروش از جانب خدا.<sup>۵</sup>  
نه تنها خویشتن گناهکار، بلکه آن خویشتن مذهبی را نیز  
رها کنید.<sup>۶</sup>

1. Method of Grace, II:91.

2. Method of Grace, II:112.

3. Method of Grace, II:91.

4. Method of Grace, II:106.

5. Method of Grace, II:111.

6. Method of Grace, II:113.

قلب متکبر، هرگز پذیرای عدالت دیگری برای زندگی خود نمی‌شود.<sup>۱</sup>

حقیقی‌ترین و شیرین‌ترین آزادی که می‌توان تجربه کرد، رهایی از شهواتمان است، نه ارضا کردنشان. با این حال چه کسی می‌تواند قلبی نفسانی را متقاعد کند که به این حقیقت باور داشته باشد؟<sup>۲</sup>

مرگ گناه، به معنای حیات برای جان توست.<sup>۳</sup>  
 مسیح برای ما شیرین نمی‌شود، مگر زمانی که گناه به مزاج ما تلخ آید.<sup>۴</sup>

در طریق ایمان، به سوی مسیح شتابان شوید که این‌گونه آرامش خواهید یافت؛ تا آن زمان، تمام دنیا هم نمی‌تواند به شما آرامش عطا کند.<sup>۵</sup>

بابت رفتن نزد مسیح باید خوشحال باشی.<sup>۶</sup>  
 هیچ انسان عاقل و بالغی، جریان باطراوت، خنک و بلورین یک چشمه را رها نمی‌کند تا به سراغ برکه‌ای گل‌آلود و کثیف یا آب انباری خالی برود. بهترین لذایذ این جهان در قیاس با عیسای مسیح چنین هستند.<sup>۷</sup>

خود را به تمامی مشغول مطالعه مسیح بساز و علاقه خود را به او معطوف کن. آنچه را که کتاب مقدس از او آشکار

1. Method of Grace, II:122.

2. Method of Grace, II:122.

3. Method of Grace, II:147.

4. Method of Grace, II:165.

5. Method of Grace, II:171.

6. Method of Grace, II:181.

7. Method of Grace, II:188.

می سازد، باور نما و مطابق با باورت زندگی کن. به این ترتیب دل و ذهنت از آرامش الهی آکنده خواهد شد.<sup>۱</sup>

جان، هرگز از تفحص و کاوش در مورد مسیح خسته نمی شود، زیرا شگفتی های او را پایانی نیست و هر بار، شگفتی تازه ای از او پدیدار می شود. ژرفای او را پایانی نیست و چنان فهم ناپذیر است که هیچ کس، نه انسان و نه فرشته، قادر به شناخت و فهم کامل او نیست.<sup>۲</sup>

چنانکه تمام رودها در اقیانوس جمع می شوند و اقیانوس، محل تلاقی تمام نهرها و آب های عالم است؛ تمام خوشی ها و شادمانی های راستین در مسیح به هم می رسند.<sup>۳</sup>

عیسای مسیح نانی برای گرسنه، آبی برای تشنه، جامه ای برای برهنه و شفایی برای مجروح دردمند است. هر چیزی که جان آدمی آرزویش را دارد، در او یافت می شود.<sup>۴</sup>

محبت مسیح، تمامی عالم را تازگی می بخشد.<sup>۵</sup> او ما را برگزید، نه به این خاطر که ما دوست داشتنی هستیم، بلکه او ما را دوست داشتنی خواهد کرد.<sup>۶</sup>

همان لحظه ای که نزد مسیح بیایی، به منشا تسلی و آرامش دست یافته ای. بیا! نزد مسیح بیا! تازمانی که به او دسترسی نداشته باشی، رنگ آسایش را نخواهی دید.<sup>۷</sup>

1. Method of Grace, II:189.

2. Method of Grace, II:207.

3. Method of Grace, II:215.

4. Method of Grace, II:216.

5. Method of Grace, II:217.

6. Method of Grace, II:220.

7. Method of Grace, II:251.

ما مجذوب لذت و شیرینی کنونی گناه هستیم، اما افسوس  
 که ثمره آن چه تلخ خواهد بود!<sup>۱</sup>  
 پیروی از مقدس ترین افراد را، حتی یک قدم هم بر پیروی از  
 مسیح ارجحیت ندهید.<sup>۲</sup>

شریعت، مجروح می کند؛ انجیل، شفا می دهد.<sup>۳</sup>  
 بگذار تمام آنانی که خداوند بدیشان تازگی بخشیده، در  
 کمال فروتنی بر پاهای خداوند بیفتند و بهر فیض عظیم او  
 بسرایند و هرگز، لبان خود را به خاطر نامالیمات و مشکلات  
 برای گله به خدا باز نکنند.<sup>۴</sup>

در یک کلام باید گفت ارتباطی صمیمانه و ناگسستنی  
 بین مرگ گناه و حیات فیض وجود دارد.<sup>۵</sup>  
 بهشت بر روی زمین را در مرگ می توان یافت. پس یقین  
 بدانید ای مسیحیان! تمام آرامش و راحتی زندگی شما به  
 این امر بستگی دارد.<sup>۶</sup>

به یاد آور که هنگام طوفان های تند و سوسه، تو فقط یک پَر  
 ناچیز هستی.<sup>۷</sup>

تلاش و کوشش برای کار خدا، راهی مستقیم برای اطمینان  
 از محبت اوست. این مسیر است که تو را به سوی بهشت

1. Soul of Man, II:581.

2. Method of Grace, II:278.

3. Method of Grace, II:297.

4. Method of Grace, II:367.

5. Method of Grace, II:380.

6. Method of Grace, II:386.

7. Method of Grace, II:390.

روی زمین هدایت می‌کند.<sup>۱</sup>

در خوشی روحانی، اصل موضوع، خود خدا و هر چیزی است که به او مربوط می‌شود. او دریای فرخنده‌ای است که تمام نهرهای خوشی در او می‌ریزند. علت اینکه افراد بسیاری از ایمان دست می‌کشند؛ این است که جانشان، تا به حال طعم این شیرینی را نچشیده و این خوشی را تجربه نکرده است.<sup>۲</sup> ای کیمیای متبارک آسمانی! تو قادر هستی از مصیبت،

چنین رحمت‌هایی را پدید آوری.<sup>۳</sup>

همانند مردی که در خانه‌ای آتش گرفته به خواب عمیق فرو رفته و در حالی که شعله‌های نابودگر او را احاطه کرده‌اند، خیالش درگیر رویایی خوشایند است؛ این تصویری بسیار زنده از روح احیان شده است.<sup>۴</sup>

چقدر شادمانی و سرور انسان‌های نفسانی و بدون تولد تازه، بی‌اساس و غیرمنطقی است! آنها در زندان خود جشن می‌گیرند و در بند خود می‌رقصند!<sup>۵</sup>

چیزهای بزرگی، هم در طبیعت و هم در فیض الهی وجود دارند که از سرآغازی کوچک و حقیر شروع شدند.<sup>۶</sup> آه، ای خدای من! چقدر اندوهگین می‌شوم که به یاد می‌آورم چه فرصت‌های گرانبهایی را که می‌توانستم به تو خدمت کنم،

---

1. Method of Grace, II:408.    2. Method of Grace, II:409-10.  
3. Method of Grace, II:420.    4. Method of Grace, II:423.  
5. Method of Grace, II:438.    6. Husbandry Spiritualized, V:197.

به بهانه سلامتی و آرامش خودم از دست دادم. من به جای اینکه به دنبال زندگی پُربار و مفیدی باشم، در پی یک زندگی طولانی و سالم بوده‌ام. چقدر زندگی من می‌توانست برای تو مفیدتر واقع شود اگر محبت من تماما به سمت خودم معطوف نبود. ای جان نادان! مگر خدا به تو جسم را به سان ابزاری زنده نداده است؟ پس چرا برای استفاده از آن می‌ترسی؟ فایده داشتن بدن در چیست، اگر در راه خدمت به خدا فرسوده نشود! داشتن جسمی سالم و به کار نگرفتن آن برای خدمت به خدا، مانند این است که اسبی سالم و زیبا هدیه بگیرید، اما هرگز بر آن سوار نشده و از آن بهره نبرید. اگر بسیاری از مقدسین که به خدا به نحوی عالی خدمت کرده‌اند، مانند من بدنی سالم داشتند، دیگر چه خدمتی به خدا می‌کردند؟<sup>۱</sup>

خدا علت و منشا آرامش حقیقی است. مخلوقات اگرچه زیبا و دوست‌داشتنی هستند، اما چیزی جز مجرا و طریق برای رساندن این آرامش به ما نمی‌باشند. خدا برای آرامش بخشیدن به ما از این موجودات بهره می‌گیرد. اما اگر این مجراها از بین بروند یا خراب شوند، دیگر نمی‌توانند مایه آرامش ما باشند؛ خداوند از راه و طریق دیگری که حتی در مخیله ما نمی‌گنجد، به ما آرامش می‌بخشد و اگر بخواهد، قادر است بدون هیچ کدام از این مخلوقات، به قوم خود آرامش عطا کند. اگر او به این شیوه عمل کند، ما چیزی

1. Husbandry Spiritualized, V:92.

از دست نداده‌ایم، زیرا هیچ آرامشی با آن آرامشی که از سرچشمه نشات می‌گیرد، قابل مقایسه نیست و هیچ آرامشی به اندازه آن، دلپذیر نیست. آیا پُری چشمه از آن توست؟<sup>۱</sup>  
آخرین نجوای جان ما در هنگام ترک این جهان، باید چنین باشد: «متبارک باد خدای ما، از برای عیسیای مسیح.»<sup>۲</sup>

---

1. Token for Mourners, V:651-2. 2. Fountain of Life, I:258.



## واژه نامه

Approbation: تایید یا تحسین و ستایش

Betime: زود، در وقت مناسب

Elah: بالاترین نُت در موسیقی قدیمی کلیسا

Concentre: متمرکز کردن، تنظیم

Cloy: انزجار، دلزده ساختن کسی با شیرینی بیش از حد

Diminution: کاهش، کاستن از وسعت یا اهمیت چیزی

Exigencies: خواسته‌های ضروری

Fain: با رغبت، مشتاقانه، با کمال میل

Fancy: تخیل

Lavatory: حمام

- Loth: بی میل، با اکراه، بی اراده
- Mattocks: وسایلی که برای حفاری استفاده می شوند
- Mortify: تهذیب نفس، خویشتنداری، انضباط
- Orient: تازه، بانشاط، دلپذیر، زیبا، با درخشش خارق العاده
- Parts: توانایی ها، استعدادها
- Plaits: نوار، قیطان
- Quietude: حالتی از آرامش و سکوت
- Radicated: با ریشه، استوار
- Remit: لغو مجازات یا خودداری از گرفتن بدهی
- Rive: بریدگی شدید، شکاف و پارگی
- Seat: مرکز یا محلی که چیزی در آن واقع شده باشد
- Start: باعث جابه جایی یا راندن چیزی
- Stay: متوقف ساختن فعالیتی مشخص
- Suffer: روا دانستن
- Upbraided: سرزنش، ملامت، سرکوفت
- Waft: حرکت ملایم هوا

اگر از خواندن این کتاب کوچک لذت بردید، شما را تشویق می‌کنیم تا مجموعه کامل پیوریتن‌های جیبی را نیز که در «نشر مکاشفه» ترجمه و منتشر شده تهیه و مطالعه کنید. لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این عناوین و سایر عناوین تهیه‌شده در «نشر مکاشفه»، به وب‌سایت ما مراجعه کنید:

[www.mokashefeh.com](http://www.mokashefeh.com)



کتاب «هیچ کس جز عیسی» اثر جان فلاول (۱۶۲۸-۱۶۹۱) گزیده‌ای از نقل قول‌های وی در آثار اوست که همین نکته این کتاب را به گنجینه‌ای کوچک و ارزشمند تبدیل می‌کند.

فلاول یکی از خادمین و واعظین کلیسای مشایخی انگلستان و نویسنده‌ای برجسته در بین پیوریتن‌ها بود. او تحصیل کرده آکسفورد و از واعظینی بود که در "اخراج بزرگ" سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان از منصب خود خلع شد، اما همچنان در خفا به موعظه انجیل ادامه داد.

جذابیت این کتاب در مختصر و مفید بودن آن است که آن را برای تنبل‌ترین و بی‌حوصله‌ترین خوانندگان هم جذاب می‌کند. برای خوانندگان علاقه‌مند، اسامی تمام کتبی که این کتاب از آنها اقتباس شده در پاورقی مربوطه ذکر گردیده است.



BANNER  
of TRUTH

